

کارگر امروز

نشریه انتernasionalist کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.4, No.40, October 1993

سال چهارم، شماره ۴۰، مهر ۱۳۷۲

کارگران آتش نشانی انگلستان در آستانه اعتراض

صفحه ۵



آلمان

اعتصاب ۶۰ هزار کارگر معدن علیه بیکارسازی

این گزارش حاکی است که اکثریت معدنجیان بجز کارگران معدن "برگکامن" - که طبق طرح یکلی تعطیل خواهد شد - و منطقه "نیدرهایم" پعداً ظهر همازورز به سر کار بازگشتند. معدنجیان که به اعتراض ادامه دادند اعلام کردند: تا زمانیکه همه کارگران آغاز کار مذکور را می‌خواهند، هیچکس در نیدرهایم دویاره زیر زمین نخواهد رفت. روز ۲۱ سپتامبر، ۶۰ هزار معدنچی از کارگر معدن "روهرکهول" در سال آینده بیکار خواهد شد.

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۲ سپتامبر، معدنجیان آلمان در اعتراض به طرح بیکارسازی "روهرکهول"، بزرگترین تولیدکننده زغال سنگ آلمان، اعتراض کردند.

به گزارش تایمز مالی، معدنجیان قبل از پایان شیفت صبح، کار را متوقف کردند تا به تظاهرات اعتراضی همکارانشان در شهرهای اصلی منطقه صنعتی روهر ملحق شوند. به گفته اتحادیه معدنجیان زغال سنگ، ۶۰ هزار معدنچی از کل نیروی کار سردرد، بهر حال هر عضوی خود بی‌آنکه شرکت کردند.

غیر استاندارد آن سرو صدایی غیر قابل تحمل دارند و اما دستگاههای جدید نیز با وجود نو و مدرن بودن بازهم از سرو صدا پیدوار نیستند کمی در محیط کارخانه می‌باشند. این سوال به ذهنم می‌رسد که کارگران این کارخانه و البته کارخانجات مشابه، آیا پس از سالهای کار مذکور میتوانند سالم بمانند؟ در همین حال به قسمت کار زنان می‌رسیم. قبل از آنکه از آنها بخواهیم از شرایط کار خود بگیریم، محيط مناسبی برای کار، آنهم به مدت هشت ساعت ممتد نبیاشد. چه برسد به ۲۰ سال تحمل همه روزه گزارشی دوم و سوم شهیور ماه خود گزارشی کنار این مشکل سرو صدای زیاد ماشین آلات و دستگاههای قدیمی اند و این دستگاهها بخاطر قدیمی بودن و نیستند

فعال اتحادیه بیکاران کردستان عراق توسط افراد مسلح حزب دموکرات کردستان عراق به قتل رسید

* "نذیر عمر علی" ۳۰ ساله، کارگر مکانیک و از چهره‌های سرشناس حزب کمونیست کارگری عراق بود

* افراد مسلح حزب دموکرات وی را ربودند، شکنجه کردند و به قتل رسانند

مرکز خبری کارگر امروز: افراد مسلح حزب دموکرات کردستان عراق، بدون آنکه مستولیت آنرا بهمراه بگیرند، قبل از کشف جسد رفیق "نذیر عمر علی" کمیسیون کردستان حزب کمونیست کارگری عراق با انتشار اطلاع‌های خطاب به مردم کردستان که برای دهها سازمان و نشریه حزب کمونیست کارگری عراق را ربودند، و پس از شکنجه‌های وحشیانه کشتنند. حاکمان کردستان عراق پس از شکست خود در اولین رویارویی آشکار با اتحادیه بیکاران، روش جنایتکارانه‌ای را را مستول حفظ جان وی دانست. عليه این اتحادیه در پیش گرفته‌اند: "تا ربودن، شکنجه کردن و کشتن فعالین

کارگران زن کارخانه نخ ریسی مشهد:

آنایی که قانون مینویسند و تصویب می‌کنند فقط یک‌سال، تنها یک‌سال بیانید و در چنین کارخانه‌ای کار گنند، بعد بروند قانون بنویسند

مرکز خبری کارگر امروز: دریافت حداقل دستمزد، طولانی بودن ساعت کار، عدم وجود شرایط ایمنی وسط شهر واقع شده می‌شون. شرایط کار کمایش وضعیت عمومی همه کارگران در ایران است. بالطبع زنان کارگر بعنوان ندارد. اول از همه محیط مملو از ذرات میکند. اگر هم بخواهیم آنرا نمی‌بگیریم سختی نفس در آن هوا به تو می‌فهماند که شرایط ممکن به کار اشتغال دارند. در این رابطه روزنامه کار و کارگر ناشر اتفاق شوراهای اسلامی در شماره های مدت هشت ساعت ممتد نمی‌باشد. چه برسد به ۲۰ سال تحمل همه روزه گزارشی دوم و سوم شهیور ماه خود گزارشی کنار این مشکل سرو صدای زیاد ماشین آلات و دستگاههای قدیمی اند و این دستگاهها بخاطر قدیمی بودن و نیستند

کارگران اشک تمساح می‌برند. این گزارش را می‌خوانید: وارد کارخانه ای در مشهد که تقریباً در

کار، و انواع بی حقوقی های دیگر در این کارخانه با سالهای قبلي خیلی تفاوت

نمایش دارد. اول از همه محیط مملو از ذرات

شهر وندان درجه دو جامعه در بدترین

شرایط ممکن به کار اشتغال دارند. در

این رابطه روزنامه کار و کارگر ناشر

انکار شوراهای اسلامی در شماره های

دو و سوم شهریور ماه خود گزارشی

پیرامون کار زنان کارگر در یک کارخانه

نخ ریسی واقع در مشهد تهیه کرده است

که در آن گزارشگر این روزنامه پیرای

کارگران کارخانه نخ ریسی مشهد:

جنبش زنان در عراق

صفحه ۱۲

در فرانسه هزاران شغل از بین می‌روند

* بیکارسازی‌های وسیع در کارخانه‌های اتومبیل سازی، موتور آلات هواییما و کارخانه کامپیوترسازی "بول" صورت خواهد گرفت.

کارخانه اتومبیل سازی "پیاس آ" قصد دارد شغل و تالبوت حذف ۱۹۷۶ شغل را پیش بینی کرده‌اند. یعنی در مجموع ۴۰۷۲ شغل را حذف کنند. کمپانی پرو ۶ هزار شغل را حذف کنند. برای اعلام برنامه سال ۹۴ کمپانی مبنی بر برنامه اخراج و حذف مشاغل حتی تا پایان سیتروشن نیز قصد دارد ۱۲۰۰ شغل را از سال هم صبر نخواهد کرد. قرار است دو کمیته کارخانه پیو و تالبوت در اوایل سپتامبر ملاقات کنند. پیو حذف ۲۵۴۷

اعتصادیه‌های کارگری در کانادا:

کمبود دمکراسی یا سلطه رفرمیسم

صفحه ۱۰

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران کارخانه نخ

از مدت‌ها قبل تعطیل و کارگران آن بیکار

شده‌اند

بنایه همین گزارش، پیش از ۶۰ درصد از

نیکاراگوئه مبنی بر افزایش مالیات بر

واسائل تقلیلی و قیمت بتزیین، دولت عقب

نشینی کرده و کارگران ترانسپورت به سر

کار بازگشتند.

به گزارش رویتر، کارگران مسلح ترانسپورت

در طی اعتصاب خود با بیانگرانی در خیابان های مانانگا و پرتاپ کوکتل

مولوتوف و خپاره‌های دست ساز با

نیروهای انتظامی درگیر شدند. روز ۲۶

سبتمبر، دولت در مقابل اعتصاب کارگران

ناچار به عقب شینی شد و انجام قیمت

بنزین و همچنین لغو مالیات جدید بر

واسائل تقلیل را پذیرفت.

گفتگو با دو تن از فعالین جنبش زنان در عراق

نامه های رسیده

سیامک شعاعی (۳۳ نامه)، نوری بشیر (۲۱ نامه)، اکبر (۳۳ نامه)، احمد معین، گلرخ جهانگیری، جاوید سلامی، صمد جلالی، رضا شهرستانی (۲۱ نامه)، بهرام زهمانی، تعدادی از هزاران ساخت سازمان مجاهدین انکارا - ترکیه، بهمن شفیق (۲۱ نامه)، کمیته دفاع از حقوق زنان عراقی در ترکیه (۲۱ نامه)، اسد نوینیان (۲۱ نامه)، موسی، رضا پایا، مهدی مهدوی، حسن، حبید بشارت، شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه، حبید احمدی، جمال طبری، بیون هدایت، شهram پیشی، ناصر شیشه‌گر، مهدی آردی، ابیکر شریف زاده (۲۱ نامه)، علی محمد محصلیان، فریدون، عطیه، چاوشی فر، موخنه بادی، الف هامری، رضا کانگر، رفاقت جنبش همیستگی کارگری - ژپن، خلیل، حسین موسوی، مختار محمدی، ت. ساییان، کمیته همیستگی کارگری با مبارزات مردم ایران - هانوفر، علی سگانی، اساعیل امانی (۲۱ نامه)، نادر پکتاش، محمد حسین، پ. الف، حبید، محمود قزوینی (۲۱ نامه)، محسن مهدوی، پاکری - آ، اسد. ن، جمعیت دفاع از روشنگران و محافل دموکراتیک ایران - آلمان، صدیق، حسن پویا، فریدون (۲۱ نامه)، بصیر، اساعیل ویسی، سعید چهانبخش، ناصر شیشه‌گر، فاتح، گروه تسوی اتحاد، شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه (۲۱ نامه) و نامه، جلال محمود زاده (۲۱ نامه)، خفار و بشیرین (۲۱ نامه)، سمراد صهبا، رحمان، د. اساعیل امانی، تریا احمدی نیا، فرهاد، کمیته همیستگی بین المللی با جنبش کارگری در عراق، فیروز احمدی، حسین، مهرونش، مصلح و فوزی، نادر پکتاش (۲۱ نامه)، احمد معین، حبید بشارت (۲۱ نامه)، بهزاد، جاوید سلامی، اساعیل ویسی، داریوش نیکنام، ساعد صارمی، یاسین علی، سیامک، رضا شهرستانی، سهیاب رضایی، غفار غلام ویسی، احسان کاره، احمد هدایت، جلال محمود زاده، طبلت،



کمکهای مالی رسیده

مرتضی ۵۰ مارک، جاوید سلامی ۶۰ کرون، وارطان ۳۵۰ کرون، ملیحه ۳۳۰ کرون، کرون، غفار و شیرین ۴۰۰ کرون، شورای کارگری اتاوا در کانادا ۵۰ دلار، الف، ن ۲۰۰ مارک و ۸۰ مارک، تریا احمدی نیا و داریوش نیکنام ۱۰۰ کرون.



دیندای کارگران

در یادداشتی که همراه یک نسخه از این کتاب برای کارگر اسرار ارسال شده از جمله آمده است که قیمت هر جلد کتاب برای ۱۵ مارک آلمان و یا معادل آنست، بخش دوم این خاطرات در چند ماه آینده آمده توزیع میگردد.

علاقه مندان به دریافت این کتاب میتوانند با آدرس زیر تماس بگیرند.

E. Stroh
Postfach 10 53 01
69043 Heidelberg
Germany

زنده باد اعتراض!

کارگران ایران خواهان حمایت هستند

(اعدام فعالین کارگری در ایران)

از نشریه "رشته سرخ"، چاپ ۱۹۹۳، دانمارک، سپتامبر ۱۹۹۳

روزمره و بشکل نابرابری در مقابل یکی از خشن ترین رژیمهای سرمایه داری (جمهوری اسلامی ایران) در جریان است.

تاکنون (اس. آی. دی)، اتحادیه نقاشان و اتحادیه بنها بهمراه چندین اتحادیه محلی با فرستادن نامه های اعتراضی حمایت خود را از این کمپین اعلام کرده اند. از جمله این اقدامات خواست اخراج نمایندگان کارگران که بشکل دموکراتیک انتخاب شده اند.

بین منظور کمیته همیستگی برای حمایت از جنبش کارگری در ایران کمپین را جهت جلب حمایت جنبش کارگری دانمارک برای اعتراض به تعزیزات به جنبش کارگری در

ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی آغاز کرده است. همچنین در چندین کشور دیگر نیز پناهندگان ایرانی کمپینهای مشابه ای برای اندخته اند.

کارگران زن کارخانه نخ ریسی مشهد: کارگران ایرانی حق پرخورداری از تشکل، اعتراض و بررسیت شناخته شدن حقوقشان را ندارند. مبارزات کارگران در ایران بطور

کارگران زن کارخانه نخ ریسی مشهد:

آنها یی که قانون هینویسند و تصویب میکنند فقط یکسال، تنها یکسال
بیانید و در چنین کارخانه ای کار گنند، بعد بروند قانون بنویسند

زبان گویایی داشته باشد از این که شرایط کار در این کارخانه شرایط سختی است و بدون دستگاه تهیه و ساختمانی که شرایطی گذرانده تاله سر میدهد. زنان کارگر نیم قرن از عمر آن میگذرد. همه مسن هستند. البته نه چندان مسن. از کارگر دیگری به سخن می نشینیم. او گوشی و ماسک خبری نیست. شاید بشود هشت فروردند دارد. او مستول یک قسمت از دستگاههایی است که نخ تاییده میشود. جالب است که برای صحبت کردن مجبور بازنشستگی روی لیوانش را بیوشاند تا پر زهای شناور وارد لیوانش نشود. آنها برای استراحت و صرف چای هم باید همین هوا که بازنشسته میشوند اینقدر مرضهای جو واجور دارند که چند سالی بعد غزل خداحافظی میخواهند. شاید من مم مثل آنها باشم، خدا میداند. شوهرم کارگر بود و از داریست افتاد و مرد، ما هم هیچ پس اندازی نداشتمیم با دو بچه آدم سرکار، و سال ۱۲۵۰ شروع بکار کردم. ۲۲ سال سابقه کار دارم. و از موقع بازنشستگی ام با توجه با قانون کارهای سخت و زیان اور میگذرد، اما به حساب اداره بیمه ۱۹ سال خود آنها بازنشستگی در سن ۲۶ - ۳۰ سالگی امری طبیعی و عادی است چون بازنشستگی در سالهای گذشته کارگران زن متغیر هستند تا کارگران را بیشتر از میان نوجوانان ۱۲ تا ۱۴ سال انتخاب میکرد و به اعتراض دشوار کاری شامل قانون کارهای سخت و زیان اور شناخته شده است. زنی مسن با شیرخوارگاه کارخانه بخارهای سخت و چهره ای خسته میگردید: "ما هیچی نمیخواهیم فقط آنها را همراه با کارگردن و تصویب میکنند فقط یکسال، تنها یکسال بیانید و در چنین کارخانه هایی کار گنند بعد بروند و قانون بنویسند. براستی

شاید از این کارخانه ساخته باشند از این که شرایط کار دارند. زنان کارخانه شرایط سختی است و بدن دستگاه تهیه و ساختمانی که شرایطی گذرانده تاله سر میدهد. زنان کارگر همه مسن هستند. البته نه چندان مسن. از کارگر دیگری به سخن می نشینیم. او گوشی و ماسک خبری نیست. شاید بشود هشت فروردند دارد. او مستول یک قسمت از دستگاههایی است که نخ تاییده میشود. جالب است که برای صحبت کردن مجبور بازنشستگی روی لیوانش را بیوشاند تا پر زهای شناور وارد لیوانش نشود. آنها برای استراحت و صرف چای هم باید همین هوا که بازنشسته میشوند اینقدر مرضهای جو و سرمه ها شکستگی زود رس را نشان میدهد. اما سن و سال زیاد نیست. راز این است که کارخانه در سالهای گذشته کارگران زن متغیر هستند تا عدد کارگران را بیشتر از میان نوجوانان ۱۲ تا ۱۴ سال انتخاب میکرد و به اعتراض دشوار کاری شامل قانون کارهای سخت و زیان اور شناخته شده است. زنی مسن با شیرخوارگاه کارخانه بخارهای سخت و چهره ای خسته میگردید: "ما هیچی نمیخواهیم فقط آنها را همراه با کارگردن بدنی آوردم. کارگردن بخصوص در مدت بارداری آنهم سر پا یا راه برویم برایمان مشکل بود هر چند ما عادت کرده بودیم.

آدرس کمیته های
همیستگی کارگری

کمیته بین المللی همیستگی با کارگران ایران، انگلستان
هماهنگ کنندگ: امان کنا
آدرس: ICSIW
Box 6278
102 34 Stockholm
Sweden

کمیته همیستگی کارگران ایران و اتریش
هماهنگ کنندگ: مهدی آردی
آدرس: ISASK
Box 4082
121 04 Johanneshov
Sweden

کمیته همیستگی با کارگران ایران، دانمارک
هماهنگ کنندگ: بهزاد بارخانی
آدرس: K.S.I.
Box 1715
2300 Copenhagen S
Denmark

کمیته کارگری ایران، آمریکا
هماهنگ کنندگ: علی جوادی
آدرس: P.O. Box 241412
LA, CA 90024
USA

کمیته همیستگی با کارگران ایران، فرانسه
هماهنگ کنندگ: پرویز عزیزان و ریسوار عارفی
آدرس: CSOI
Mr Tary
P.R.
38 Blvd. Strasbourg
75010 Paris
France

حزب توده در صحنه ایران

بعلم دکتر غلامحسین فروتن



یادداشتی از گذشته (بخش یکم)

حزب توده در صحنه ایران

بعلم دکتر غلامحسین فروتن

در یادداشتی که همراه یک نسخه از این کتاب برای کارگر اسرار ارسال شده از جمله آمده است که قیمت هر جلد کتاب برای ۱۵ مارک آلمان و یا معادل آنست، بخش دوم این خاطرات در چند ماه آینده آمده توزیع میگردد.

علاقه مندان به دریافت این کتاب میتوانند با آدرس زیر تماس بگیرند.

E. Stroh
Postfach 10 53 01
69043 Heidelberg
Germany

نشان



زنده باد اعتراض!

مکانیزم

تجارب جنبش کادگری در کردستان ایران

ز نشریه: دنیای کارگران

این حرکتها، مسئولان استانداری را وا
داشت که ۶۰۰ نفر از کارگران بیکار را
توسط اداره راه در یک پروژه جاده سازی در
جهه تران (نه ران) به استخدام در آورد. در
ادامه این مبارزه، رژیم تقبل نمود که به
بقیه کارگران وام بیکاری پدیده. پرداخت وام
بیکاری باعث گردید که توده هر چه
وسيعتری از کارگران فصلی شهر و
روستاهای اطراف به سندیکا روی آورند و
آن شکل را هر چه بیشتر متعلق به خود
بدانند.

به این ترتیب سندیکا خود را در میان بخششای وسیعی از کارگران شهر و روزتاهای اطراف سنتنچ ثبت کرد و عملاً به مرچ و وزنه ای در تابیر گذاری بر مسائل و اوضاع و احوال پر تشنج منطقه تبدیل گردید. سندیکا در همین مرحله، در بسیاری از مسائل و مشکلات کارگران دخالت می کرد. یکی از اقدامات سندیکا مشارکت فعال در لوله کشی محله "کردی" که رول (یکی از محلات کارگر و زحمتکش نشین حاشیه سنتنچ) بود که خود با پلاکاردهایی همچون "کارگران جهان متعدد شوید" در میتینگ عظیم و با شکوه هزاران کارگر در میدان آزادی، شرکت کردند. همچنین سندیکای کارگران فعلی و پرونده ای سنتنچ از جنبش مصادره زمین توسط دهقانان فقیر و زحمتکش پشتیبانی نمودند.

با هجوم دولت در ۲۸ مرداد سال ۵۸ شورای شهر (خصوصاً نمایندگان سی شدند. هموارا با نمایندگان کارگران در بیب آن) هموارا با نمایندگان کارگران در مس بوده و آنانرا در جریان نظرات و اتفاقات احتمال مقامات و ادارات دولتی شناخته و رهنمودهای پیشنهادی خود را رای ادامه پیگیری مبارزات به آنها می‌دادند. در این مقطع، هر روز تجمعات وسیع کارگران در محل سندیکا تشکیل می‌شد. این تجمعات همواره محل بحثهای نمارگران در مورد رنج و مشقات خود، نشای نظام سرمایه داری و غیره بود. درین جلسات همواره در مورد اقداماتی که سندیکا و نمایندگان کارگران صورت می‌دادند، نیز بحث و تبادل نظر می‌شد. ما پس از اینکه اقدامات نمایندگان برای تصرفن "وام بیکاری" به ترتیب نرسید، نمارگران در یکی از جلسات خود تصمیم ترفتند که خود را دست بکار شوند و شدنام به سازمان دادن تظاهرات خیابانی، استن چهار راهها، تجمع در مقابل ادارات ولتشی و به ویژه استانداری نمایند. این توزعها شهر سنتنچ شاهد تظاهراتها و کسیونهای وسیع کارگران و رختکشان و شنکران پشتیبان آنها بود. خواستهای نمارگران در شعارهای زیر خلاصه می‌شد: "کارگرسته ایم، گرسنه - کارگریم، کارگر - یکاریم، ییکار" (برسیمانه، برسی تریکارین، کریکار - ییکارین، ییکار)، "کار برای کارگر" (کار بو کریکارا، برادری برایبری - حکومت کارگری ...

وجه به اینکه هم اکنون در عراق شکل
نان ایجاد شده است و ما نیز در رابطه
زدیک با این شکل در ترکیه کمیته دفاع
از حقوق زنان عراق را تشکیل داده ایم، در
ظر داریم در دفاع از حقوق آنان و جلب
شیبمانی تشکلهای زنان و سازمانهای
ترinci از خواست و مطالبات زنان عراق
عالیت کنیم، در همینجا از کلیه
شکلهای انقلابی و خصوصاً اتحادیه های
ارگرگی درخواست می کنیم که ما را در
رساشای حکومت جبهه کردستان و بعثت
عراق علیه زنان، به منظور جلوگیری از این
ضایع و در جهت کسب مطالبات برای
نان یاری دهند.

در فرانسه هزاران نفر بیکار میشوند

فحة اول

همچنانی همچنین قصد دارد به کارگران
مهابروش مبالغی برای بازگشت به کشورشان
نهاد کند!

کارخانه کامپیووتر "بول" حذف ۶۵۰۰ شغل
ا در سطح بین المللی اعلام کرده است. در
برانسه ۲۸۵ شغل از مجموع ۳۵۰۰ شغل
همچنانی از بین خواهد رفت. در اعتراض به
بیکارسازی ها و حذف مشاغل اعتراضات
اعتراضات کارگری در شهر پاریس و
بیکار شهرهای فرانسه صورت گرفته است.
کثروهه صنعتی تامسون نیز در ب، اخراج

نارگانش است. روز ۱۵ سپتامبر مدیریت ر. جلسه کمیته کارخانه اعلام کرد که تا خر سال ۱۹۹۴، حدود ۱۶۶۹ نفر را بیکار نفوذ کرد. اتحادیه های کارگری از جمله "ثربت" به اتفاق آرا این جلسه را بایکوت نزدند. بدنبال اعلام اخراج ها، اتحادیه ها را علاوه می شترکن تاریخچه اخراج ها درین گروه صنعتی که از سال ۱۹۸۷ شامل ۱ هزار نفر میشود را در میان مردم ورزی کردند.

لخیص شده از: لوموند

فلز کاران آلمان و دور جدید مذاکرات بر سر دستمزده

مرکز خبری کارگر امروز: به گفته رهبر اتحادیه فلزکاران آلمان، اتحادیه کارگران بخش مهندسی آلمان، افزایش دستمزد به نسبت نخ تورم و همچنین هرگونه افزایش در بارآوری را مبنای مذاکرات افزایش دستمزد در سال آتی قرار خواهد داد.

به گذراش تایمز مالی، "کلاوس زویکل"، رهبر اتحادیه فلزکاران آلمان، این مبنا را برای افزایش دستمزد بعنوان "پیشنهاد صلح" در مذاکرات بر سر دستمزد مطرح کرد. میزان رسمی مطالبه افزایش دستمزد کارگران در آخر ماه نوامبر تعیین خواهد

شد. فدراسیون کارفرماهای بخش مهندسی در اعتراض به مطالبه اتحادیه کارگران: صنایع بخش مهندسی به انجام هزینه ها در سال آتی نیاز دارد. اتحادیه فلزکاران هنوز این مستله را برسیت شناسد که هزینه دستمزد در آلمان بالا و این مستله مانع توافقی آلمان در راه می شود.

انتظار من رو د که این بار نیز تحفظ مطالبه افزایش دستمزد فلزکاران آلمان کارفرماها با اعتراضات اخطاری همراه باشد.

شکایت اتحادیه های کارگری بریتانیا به سازمان جهانی کار

کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا،
تئی بیوسی، علیه قانون جدید در بریتانیا -
که به کارفرما اجازه می دهد تا به
کارکنانی که حاضر به امضای قرارداد فردی
با کارفرما، مبنی بر دست کشیدن از حق
نمایندگی شدنشان توسط اتحادیه، نمی شوند
اضافه دستمزد پرداخت نکند - به سازمان
جهانی کار در ژنو شکایت کرد.
دیگر کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا،
"جان مانکر"، روز ۹ سپتامبر در کنفرانس
سالانه ای: کنگر، در موده ای: قانون، گفت:

نمونه ای دیگر از بر سمیت نشناختن حق آزادانه تشکل در ایران

هر دو سمت بر زنان در طول تاریخ وجود داشته است و تا به امروز هم ادامه دارد.

اهمیت حیاتی دارد و این جز بای متشکل شدن ممکن نیست. یک تشکیلات مستقل زنان که برای اعاده موقعیت اجتماعی زنان همچون انسانی آزاد و برابر که در تعیین سرنوشت خود و جامعه سهیم است تلاش می کند.

ما جمعی از زنان آزادیخواه با هدف متحده کردن صفت اعتراض زنان و بست آوردن خواستهایمان تشکیلات مستقل زنان را ایجاد کرده ایم. تشکیلاتی که صدای همه زنان ستمدیده و ناراضی و آماده برای تغییر وضعیت کنونی پاشد. این تشکیلات به مجتمع عمومی و شرکت هر چه بیشتر زنان مبارز و فعال انکا دارد. به این ترتیب در یک مجمع عمومی به تاریخ ۱۴ مه ۹۳ با اکثریت قریب به اتفاق، تشکیلات مستقل زنان، اعلام شد. ما بینویسله همه زنان را به پیوستن به این تشکیلات فرا می خوانیم. ما همه دوستان و همدادان جنبش رهانیبخش زنان را فرا می خوانیم که از ما پشتیبانی کنند.

تشکیلات مستقل زنان

مللی است که باعث عقب نشینی جنبش سورانی و فعالیت چپ در مقابل یورش سیونالیسم کرد شد. جدا از این دخالت هم جریانات چپ در آن و اینکه این تشکل بshort مسغول کار تئوریک بود و متر پای ندانمات عمل رفت.

عنوان آخرين سؤال، با توجه به تصويري
نه شما از شرایط بي حقوقی زنان در
مردستان عراق داديد، چه اقداماتي را در
ستور کار داريد؟

ننان منتشر کردیم، و در شهرهایی چون
بنجیخوین و بایجان چندین محفل زبان
شکل دادیم، و از برخی از مطالبات
فناهی در این شهرکها برای خانواده ها
نان کردیم که در مواردی موقتیت بدست
رددیم.

فیق سوسن شما علت اینکه این تشكل
توانست به تشكل توده زنان تبدیل شود
در چه می بینید؟

سوسن: همانطور که سنور اشاره کرد،
سسورت این تشكل در ادامه فعالیتهای
معمی از زنان کارگر و کمونیست که نقش
عالی در رویدادهای ماه مارس داشتند
شخص داده شد. اما این اتحادیه با وجود
قداماتی که در دفاع از حقوق زنان کرد،
تدریج به تحلیل رفت که علل آن همان

جنیش زنان در عراق

بقیه از صفحه ۱۲

دنیال تامین زندگی بودند که نمی توانستند در تشکل زنان فعالیت کنند. این شرایط باعث شده بود که خیلی وقتها زنان فعالیت در تشکل مستقل خود را یک کار حاشیه ای بیبینند و اما اقدامات عملی، ما برپانame برای اتحادیه تهیه کردیم که عبارت بود از چند خواست و مطالبه زنان و نشریه ای داشتیم به اسم "زن امروز" که فقط یک شماره آن منتشر شد. جدا از این روزانه نیز اطلاعیه هایی در رابطه با ترور

اعتراض سیاسی کارگران نفت

کارگر پای رای دادن به این قرارداد رفتند.
ز این عده ۸۰ درصد به آن رای مثبت
آمدند. مفاد این قرارداد از هم اکنون مبنای
نهادگرگات آتی کارگران با چنال موتورز و
بورد فرار گفته است.
ر شرایطی که بختک بیکاری، حفظ اشتغال
ا به اولویت درجه اول کارگران در کانادا
بجدیل کرده و در شرایطی که دولت انتاریو
به بهانه رکود اقتصادی و کسر بودجه اصل
تقریباً دستتممی آزادانه را زیر سوال برد
انجامداد و کاهش دستمزدها را به یک
میلیون کارکنان بخش خدمات عمومی
تحمیل کرده است. کارگران کویاسلر نه تنها
به ترم موجود - امتیاز دادن به قیمت
 فقط اشعار - تن ندادند بلکه دست به
معرض زده و موقوف به کسب امتیازات
پوشای از کارفرما شدند. دیگر اتحادیه
کارگران تومبیل سازی کانادا، "باز هارگر"
هداف کارگران در این مبارزه را چنین
برترشده: "ما می خواهیم وضعیت غالب بر
جنگیش کارگری کانادا را تغییر دهیم. ما
می خواهیم از شر کسر دستمزد و زدن از
دستواردهای کارگران خلاص شویم. ما
درصدیم که ایجاد شغل های تازه را در
دستور روز پذیریم".

خایشان می دیدند، بالاخره بعد از دو
ملاقاته مذاکره فشرده تسلیم خواست کارگران
لندن.
مر طبق قرارداد جدید حدود ۱۰ هزار کارگر
کراپیسلر کاتادا به این امتیازات دست
باختند: ۱ - افزایش سالانه دستمزدها به
هزار و پانصد هزار پوند، ۲، ۱/۵، و ۱ درصد در سه سال
بینزیان، ۳ - استخدام حداقل ۶۵۰ کارگر و
بیچاره یک شیفت سوم در کارخانه مینی
راحت و ویندزور. (در سال گذشته کارگران
کراپیسلر در ویندزور مجبور به ۸ ساعت
ضایانه کاری هفتگی بوده اند). ۴ - افزایش
بیک هفته به تعطیلات کارگران همراه با
مزد. ۵ - بهبود قوانین بازنشستگی: الف
- افزایش حقوق بازنشستگی. ب - کم شدن
نذریجی ساعات کار در آخرین سال اشتغال.
ج - بازنشستگی زودتر از موعد مقرر که
ده ایجاد ۳۰۰ شغل جدید منجر میشود.
د - بررسیت شناختن حق دست کشیدن از
کار آواره دریافت مزد، برای کارگرانی که
تحت آزار جنسی، تولدی و یا مذهبی قرار
می گیرند. استخدام یک مامور تمام وقت
توسط مدیریت که مستقل از اتحادیه و
کارفرما به این موارد رسیدگی می کند.
بنده اقبال اینقاد قرارداد جدید، حدود ۶ هزار

حید بشارت
سپتمبر ۹۳

حمید بشارت سپتامبر ۹۳

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۶ سپتامبر، پنزدگانین اتحادیه کارگران نفت نیجریه اعتصاب ۱۰ روزه اش را بمنظور تعت فشار گذاشتن دولت موقت جهت به اجرا در آوردن نتایج انتخابات در ماه ژوئن را به تعویق انداخت. به گزارش تایمزمالی، در اوخر ماه اوت، کارگران نیجریه در اعتراض به افزایش قیمت فرصلت خواهد داد تا برای اجرای نتایج انتخابات راه حلی بیابند. به گفته تایمز مالی، اعتصاب کارگران نفت کاملاً سیاسی است. اتحادیه نفت دولت را تحت فشار می گذارد تا قدرت را به "موشود آبیولا" که در انتخابات پیشترین رای را آورد بسپارد. *

پریتانا،

موج اعتصامات در ملاوی

۴۸ ساعت کار در هفته!

طبق یک گزارش تحقیقی که توسط دولت بریتانیا در روز دوم سپتامبر منتشر شد، بیش از ۵ میلیون نفر یعنی ۲۰ درصد نیروی کار بریتانیا بیش از ۴۸ ساعت در هفته کار می‌کنند. گزارش مجله "گزت" که متعلق به اداره کاربایانی بریتانیاست در طی تحقیقی نشان داد که در تمام کشورهای عضو جامعه اروپا بجز بریتانیا، اکثریت کارگرانیکه بیش از ۴۸ ساعت در هفته کار می‌کنند صاحب کار خودشان هستند، اما در بریتانیا ۷۰ درصد از این کارگران در استخدام دیگران و کارگر مزدی هستند. این آمار، در جدول جامعه اروپا بر اساس بیشترین ساعت کار در هفته، بریتانیا را در مقام سوم یعنی پس از یونان و *

شغل مدام العمر "در ژاپن از بین میروند"

کرده، فکر میکنید چند کارگر بتوانند نقل
مکان کنند؟
سپتامبر گذشته، کمپانی های هیتاچی و
میکتور کارخانه های تولید دستگاه ویدیو
را بستند و پیشنهاد انتقال کارگران را
دادند. اتحادیه های مربوطه با انتقال
کارگران به کارخانه های دیگر موافقت
کردند.
سایر کارخاجات اتوموبیل و ویدیو سازی
یاد گرفتند و یکی بعد از "دیگری نیروی
کار خود را کاهش دادند. طرق مختلفی
بکار گرفته شده است: "کاتا تاتاکی" (به
شانه کسی زدن) - پعنی کارگر خودش باید
بنفع کارخانه کنار برود، کارگران مسن تر
مجبور میشوند که خود را بازنشسته
کنند، سو انتقال از خط تولید به بخش
توزیع و سایر شغلهای خسته کنند.
یک کمپانی تولید وسایل الکترونیک
۴۵ کارگر مسن خود را به بخشی از کارخانه
منتقل کرد که در زیرزمین قرار داشت. این
اتفاق پیشتر نداشت و کار خاصی به کارگران
داده نشد. سپس مدیریت نور
داخل اتاق را به تاریخ کم کرد تا بالآخره
خود کارگران داوطلبانه استغفا دادند.

نوسینده: بن واتانابه
از ماهنامه لیبر نتز، نشریه
کارگری چاپ آمریکا
بن واتانابه رئیس سابق اتحادیه
کارگران عمومی، بخش جنوب
توكیو، ژاپن، است. وی در حال
حاضر در دیترویت آمریکا زندگی
میکند و در کنفرانس لیبر نوتز
شرکت کرد.
آیا کارگران ژاپن واقعاً از حق تضمین
شفلی مادام العمر برخوردارند؟ همه در
آمریکا اینطور فکر میکنند. ولی بسیاری
آنها کارگران ژاپن در حق مقتضی
حق

اعتصاب زدند. مدیریت شرکت که در اینمدت رسوایی مالی اش نیز فاش شد، بالاخره مجبور به سازش با کارگران شد. مدیریت پذیرفت که کارگران یا در ازای دریافت حداقل حقوق یک کارگر — حدود ۶/۵ دلار در ساعت — به سرکار پرگردند و یا با قبول مبلغی سه برابر میزان مرسم به عنوان بازخیرید رسماً بیکار شوند. کارگران قبلاً جدا از مزایا ساعتی ۱۰ دلار دریافت می‌کردند. کارگران با پذیرش این پیشنهاد مدیریت به اعتصاب و پیشکت ده

کانادا،
پیان اعتراض ده ماہ

مترو لندن،

اعتصاب اتحادیه ترانسپورت، آراماتی،
اعتصاب ۲۴ ساعته در اعتراض
یکی از فعالین اتحادیه را
کارگران مترو لندن گذشت
سیکورسکی "بدلیل رفتار"
خروج شد. بدنبال شکایت اتحادیه
سپتمبر دادگاه حکم داد که
مترو لندن موظف است تا رو
نهان. دادگاه حقه، او را سدا

کارگران آتش نشانی در آستانه اعتصاب

اعتراض رای مثبت و نمایندگان ۱۱۰۰ کارگر رای منفی دادند. دبیر اتحادیه کارگران آتش نشانی، «کن کامرون» گفت: انتظار میرود که سطح دستمزدها به سطح دستمزدهای فقیرانه سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تنزل کند. او ادامه داد: ما برای رای مثبت به اعتراض کمپین خواهیم کرد. رهبران اتحادیه معتقدند که انکار عمومی با کارگران آتش نشانی است. بیش از ۲۵۰ هزار نفر از مردم با امضاشان از مطالبات کارگران آتش نشانی حمایت کردند. سیستم افزایش دستمزد کارگران آتش نشانی که طبق یک قرارداد ۱۵ ساله بصورت اتوماتیک و پر اساس یک فرمول محاسباتی در ارتباط با اضافه دستمزد کارگران مرد تعیین می شد در آخر سال جاری به پایان می رسد. با توجه به برنامه انجام دستمزد کارگران بخش خدمات، دولت از تمدید قرارداد افزایش دستمزد کارگران آتش نشانی خودداری می کند. روز اول اکتبر رهبران اتحادیه و کارفرما به مذاکره خواهند شست.

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۵ سپتامبر، نمایندگان اتحادیه کارگران آتش نشانی بریتانیا به اعتراض علیه برنامه دولت برای انجام دستمزد کارگران بخش خدمات و همچنین لغت سیستم افزایش دستمزد کارگران آتش نشانی به هدایت

سازی "تاین ساید" خواهان دریافت یک میلیون پاؤند خسارتم از کمپانی شدم. این میزان خسارتم بایت اخراج ۴۰ کارگر کمپانی دز روز ۲۸ مه سال جاری است. مدیریت کارگران را بدون مشورت با اتحادیه و بدون اطلاع قبلی بیکار کرد. *

بیکارسازی

نیروی کار قابل چشم پوشی اتوسینهای داری و استریلیت را داشته است.
ژاپن را میساخت از پا ذرا آورده. دورنمای بهبود وضعیت نیز ضعیف است، زیرا تاثیر رکود اقتصادی در این صنایع در دو زمینه صورت گرفت: کاهش تقاضا به مازاد طرفیت تولیدی منجر شد، و ارزش بالای "ین" (واحد پول ژاپن) باعث مشکل تر شدن صادرات گشت.
اخیرا مدیران اعلام کردند که در سیستم تضمین شغلی مادام العمر تعجیل نظر میکنند. سیستمی که در شرایط رشد اقتصادی رابطه مسالمت آمیزی بین نیروی کار و مدیریت پر جوهر آورده بود.

مدیریت حتی بدون تغییر سیاست رسمی اش، راههایی برای خلاص شدن نیروی کار ناخواسته پیدا کرده است.

روز ۲۴ فوریه شرکت نیسان، دو مین کمپانی بزرگ اتوموبیل سازی در ژاپن، اعلام کرد که مجتمع "زاما" واقع در حومه توکیو تا سال ۱۹۹۵ بسته خواهد شد.

مدیریت کمپانی اعلام کرده است که ۵ هزار کارگر کارخانه را به مجتمع "کایوشو" که مایل دورتر است، منتقل خواهد ۸۰۰

کمپانی ڈاپنی تله کامونیکاسیون "انٹی تی" اعلام کرد کہ ۱۰ هزار نفر از کارکنان خود را بیکار خواهد کرد.
بخشی از این بیکارسازی ها به شکل بازنگشتگی زور دسخواهد بود. انتظار میروود که با اعلام بیکارسازی در "انٹی تی" کمپانی های دیگر ڈاپنی نیز این مدل را دنبال کنند. سنتا در ڈاپن استخدا بصورت مادام العمر است و کمپانی ها بسادگی نمی توانند تعداد کارکنان خود را کاهش دهند. "انٹی تی" که پرستیں کمپانی ڈاپن به لحاظ تعداد کارکنان است فصد دار نیوی کارش را از ۲۰ هزار به ۲۰۰ هزار نفر بررساند.

برگزاری مراسم روز کارگر در کانادا

حیدر بشارت
سپتامبر ۹۳

اعتراض عمومی در اکوادور

متولد شد که برای مقابله با طرح اقتصادی حکومت برنامه ای تهیه کند و اصولی ترین اقدامات برای مبارزه را ارائه دهد. سازمان هماهنگ کننده زندگی پیشنهاد می کند به اعتراض عمومی فراخوان داده شود.

انفجار

در این حیث و بیض بورگرات های اتحادیه حسن کردند که امور دارد از دست آنها خارج می شود. باید سوابق اطمینان را باز کرد تا بخار کمی تخلیه شود. به همین خاطر به "اعتراض نامحدود شهروندان" فراخوان دادند. کارگران که همیشه نقش اصلی را در اعتراضات عمومی داشتند این اصطلاح را درک نکردند. در پسیاژ جها بحث بر سر روش کردن اینکه "اعتراض شهروندان" یعنی چه برآه افتاد. مبارزین جنبش سوسیالیستی کارگران گفتند که هر چه می شود بشد و مهیم متوقف کردن دولت است. متوقف کردن خصوصی شدن شرکت ها. جنبش سوسیالیستی کارگران اولین حزبی بود که افشا کرد حکومت طرح جدیدی را برای مقابله با بحران آماده می کند و ضرورت یک اعتراض عمومی را خاطر نشان ساخت.

در هزاران اعلامیه ای که یخش شد به شرکت فعال در اعتراض فراخوان داده شد. در ۲۶ مه همانطور که کارگران می خواستند کشور فلچ شد. در شهرهای بزرگ جنگ خیانت رخ داد. روز بعد مردم نمی دانستند که چگونه باید "اعتراض نامحدود" را ادامه دهند. رهبران اعتراض هم فکر نکرده بودند که به مردم توضیح بدهند که چگونه چنین اقدام گسترده ای تضمین می شود. با این وجود رهبران چند سازمان سندیکالیستی روهه های ابتدا به ساکن را سازماندهی کرده بودند. رهبران سرخپوستان همراه با "اس.اچ.زد" -

که بیشتر منعکس کننده امیال توده هایی است که خصوصی کردن ها مستقیماً گیربانگیرشان شده است - دادگاه ضمانت حقوق اساسی و کلیساي جامع باسیلیکا را اشغال کردند. به خیانت رهبران، سرکوب خشونت آمیز نظامیان و پلیس اضافه شد که از فاصله نزدیک شلیک می کردند. پس از ساعتها بحث سرانجام رهبران پس از ۴۸ ساعت اعتراض را متوقف کردند.

و حالا چه؟

علیرغم نیروی که اعتراض بوجود آورد و ضعف مفترض و ازروای حکومت، طرح های اقتصادی دولت ادامه خواهد یافت. در این بحران، بورژوازی برنامه آلتربانیو دیگر بپیغ غرق کردن توده ها در فلاکتی عمیق تر ندارد. به همین دلیل "والین" و "دانیک" تلاش خواهند کرد که نسخه صندوق جهانی پول را به جهان بیناندازند.

این باعث می شود که مبارزه مجرد کارگران با این طرح اقتصادی ضرورت یابد.

بنزگری مانعی که هنوز بر سر راه قرارداد

بورکارسی سندیکاتی و رهبران احزاب چپ

ستنی است که علاقه ای به بسیج و به

مبارزه کشاندن توده ها نداشتند. فعالیون جدید

که اساساً حول "اس.اچ.زد" مجمع شده اند

باید برای اتخاذ اقدامات مبارزه جویانه بر

ضد طرح "والین" و برای طرح آلتربانیو -

که در آن عدم پرداخت بدینه ها، دفع از

شرکت های دولتی، دفع از مشاغل، واگذاری

زمین به کشاورزان و بذل توجه به خواست

ها و دستمزد سرخپوستان پیشنهاد شد

باشد - مشورت و گفتگو را در میان کلیه

سازمانهای کارگری برقرار کنند.

کارگران در جریان مبارزه مطمئناً می

توانند از تمونه های گواتمالا، بنزیل و

ونزوئلا استفاده کنند که مبارزه با طرح

های اقتصادی بسرعت تبدیل به مبارزه برای

پرکناری حکومت شد. این امر ایجاب می

کند که تشكیل مستقل کارگران، سرخپوستان

و کشاورزان بحرکت درآید و حقوق طبقاتی

خود را مطالبه کند. "اس.اچ.زد" در این عرصه

نقش اساسی بعده خواهد داشت. *

از: ماهنامه کورسپوندسنس
انتربانیوال - چاپ آرژانتین
ترجمه: ناصر شیشه گر

۲۶ مه امسال اعتراض عمومی
اکوادور را بلرژه درآورد. این
رعدی در آسمان بی ابر نبود بلکه
محصول اوضاع انفجار آمیز
اقتصادی - اجتماعی و سیاسی
بود. ما در این مقاله تشريع
خواهیم کرد که چه عواملی به این
وضع منجر شد و چه باید کرد.

طرح تنظیمی

حکومت سیکستو دوران والین -
آرشیتکت، متولد و تحصیلکرده آمریکا که
نوکر و فادر با نکارگران و شرکتهای چند
ملیتی است - از اوت ۹۲ که به قدرت
رسید طرح های بشدت ضدکارگری ای را
تنظیم کرد، او در سوم سپتامبر ۹۲ با
ارائه اولین طرح مقابله با بحران، بهای
کالاهای اساسی را که تحت کنترل بود،
افزایش داد. اما صندوق جهانی پول به این قانع نبود.

از اینسو "داس عزایل" با افزایش های
تازه ای در تعرفه های برق و تلفن و مهتر
از همه با قوانین معروف "ملنیتسایون"
(خصوصی کردن) و "اوراق بهادر" ناول شد
و واگذاری شرکتهای دولتی به بخش
خصوصی را زمینه سازی کرد.
با این همه، فلاتک هرگز این چنین مفروط
نیوده است. حداقل دستمزد ۳۰ دلار در ماه
است و بیکاری بالغ بر ۱۴/۸ درصد است.

بحران سیاسی

کارگران میان کارگران و کمپانی تایمکس
شکاف بین فقر و شرمندان هرگز مانند
امروزه عیق نبوده است. بورژوازی که در
راس حکومت نشسته تها کاری که از سوی
کمپانی آغاز شد، مبارزه و پیکت عظیم
کند چپاول کشید است. روش کاملاً رایج
است. بعنوان نمونه یک مورد کفایت می
کند: وزیر دارائی که عهده دار مذاکره با
صندوق جهانی پول و بانکهای خارجی کرد.
سر پنهانی های خارجی است، خود صاحب
اوراق قرضه و جزء طبلکاران است.

یکی از نکات محوری در طرح های دولتی

است. این امر مشکلات بورژوازی به مناسبات

دولتی در بالاترین حد قرار دارد. این مسئله

موجوب بحران پزگی در کلیه دولتی سازمان

شده است. مطبوعات بورژوازی اینرا

منعکس می کنند. "ادمکواری" به دون

حکومت راه یافته، وزرا با مورد سوال قرار

دادند، به رهبری رئیس جمهور بیرون

که مشکلات اولیه میلیونها اینرو -

آمریکانی را مانند بیداشت. مسکن، کار و

تخصیل در نظر گیرد.

پیشنهاد سندیکالیست ها مدلی بر اساس

اقتصاد تنظیم شده دولتی است، سیاست

هایی که بر ایجاد اشتغال، العاق کشاورزان

و بخش غیر رسمی ذر و دل تولید و افزایش

ترفیعات گذاری در توسعه اجتماعی تأثیر

می کند.

در اجلال سندیکالیست ها که به مواد

گزه های روسای سازمان های کارفرمایی

ایبرو - آمریکا نیز برگزار شد مجموعاً

حدود ۳۰ تن از رهبران سندیکالیستی

کنفرانسیون های کارگری مکرک، گواتمالا،

السالادور، بنزیل، نیکاراگوئه، ونزوئلا،

اوگوستو ریزیکی شود.

این سند یا آنکه از بی اعتمانی روسای

حکومت ها به پیشنهادی که در سال

گذشت به اجلال مادرید ارائه گردید انتقاد

می کند، از کنفرانس سران آمریکا

در گذشتی این روزی، همانکه

در این حیث و بیض بورژوازی

کارگران نسبت به این حزب بود. همان
پیش وقتی آن دیپی - قدرت را در انتاریو
بدست گرفت. کارفرمایان را با احترام
پیشنهادی رفتار میکردند، آنها فکر میکردند
ما در دولت دوستانی داریم. حالا معلوم

شده که دشمنان ما در دولت هستند".
کارگران در روز گرفتار شان میدانند از
پیروزیهای تاکونی شان بپرسند. هر خلاصه
دیگرها، در کانادا کارگران را با کشورهای
نداشتند. نخست وزیر انتاریو، "باب ری" و
۶۵ نماینده پارلمانش که به باز کردن
قراردادهای دستگاهی اجتماعی و انجاماد
دستمزد کارگران را مثبت داده بودند - از
کارگران چنانچه رهبری اتحادیه های کارگری
که قدرت داشتند با نوشتن سیاستهای
ضدکارگری آن دیپی - قدرت را از این مهله
وزیریش خود آن دیپی "باب ری" و
کارگران را که تخته ای از این مهله
کارگران را معرفی کنند.

کارگران به سنگ حفظ اشتغال عقب نشینی
کردند، سرمایه داران سرمایه دارند و
پیروزیهای تاکونی شان میدانند. هر خلاصه
دیگرها، در کانادا کارگران را بعنوان روز کارگر
دوشنبه ۶ سپتامبر حدود ۲۰ هزار
روز کارگر را جشن گرفتند. برخلاف سایر
کشورها، در کانادا کارگران را بعنوان روز
کارگران میزنتند. در ایالت انتاریو سیاست
به راهیمیانی میزنتند. رهبران حزب دموکراتیک توین (آن دیپی)
در جشن روز کارگر امسال، اما، کارگران
چیز چندانی برای جشن گرفتن نداشتند.
کابوس بیکاری، انجاماد و کاهش دستمزدها،
افزایش مالیات ها و اضافه کاری رعایت
اتاریو - با کارگران باقی نگذاشتند. درحالیکه
کارگران به سنگ حفظ اشتغال عقب نشینی
کردند، سرمایه داران سرمایه دارند و
پیروزیهای تاکونی شان میدانند. اگر که
در جشن روز کارگر ای از این دیپی میزنتند
که کارگران را بعنوان روز کارگر
دانند، سرکار نگهداشتند. چیزی که قبل از
کارگران چنانچه را که تخته ای از این مهله
کارگران جانشین کارگران اخراجی مورد
میلیون پیوند پیده شد که کمپانی رای و
دیگر اتحادیه های اخراجی صنعتی را در مورد
کارگران اخراجی تایمکس می پدیری. گوین
لرد گفت: کمپانی تایمکس تا کنون در
بالاترین میزانی که تایمکس تایمکس تایمکس
تمام هفت میلیون لرد تایمکس تایمکس
بگیریم تلاش خواهیم کرد. تایمکس مجبو
است حق مان را بدهد. ما اعتماد پنس
دولت بریتانیاست که مسئولیت بسته شدن
کامل داریم که پیروز خواهیم شد. این

مبارزه کارگران تایمکس ادامه دارد



که با اتحادیه میان کارگران و کمپانی تایمکس
اعضای ما بد رفتار کنید توان آنرا
خواهید داد. اتحادیه قانوناً موفق شد کمپانی تایمکس را
وادار کند تا یک تضمین مالی به میزان ۲
میلیون پیوند پیده شد که کمپانی رای و
دیگر اتحادیه های اخراجی صنعتی را در مورد
کارگران اخراجی تایمکس می پدیرد. گوین
لرد گفت: کمپانی تایمکس تایمکس تایمکس
در اولیه ماه سپتامبر که دریافت میزند
بالاترین میزانی که تایمکس تایمکس
تمام هفت میلیون لرد تایمکس تایمکس
بگیریم خواهیم کرد. تایمکس تایمکس
است حق مان را بدهد. ما اعتماد پنس
دولت بریتانیاست که مسئولیت بسته شدن
کامل داریم که پیروز خواهیم شد. این

را که تشکیلات هایشان تنظیم کرده اند
توسط هیئت مرکب از نمایندگان آرژانتین،
برزیل، اکوادور، اسپانیا، مکزیک و پاراگوئه
به ایتمار فرانکو، رئیس جمهور برزیل
تلیم خواهند کرد تا به گرد همیانی سران
ارسال شود.

این خواسته میزند به سران کشاورزها پیشنهاد شده
قیصر مروم خود را عیین تیمکنند. هر یه
کشورهای ایبریو از آنچه در نیاوردان آنچه در سخنران
میزند میزند، بشدت انتقاد کردند.

در اواسط زوئیه، همزمان با گرد همیانی سران
کشورهای ایبریو - آمریکا در برزیل، رهبران
کنفرانس سندیکالیستی آمریکای جنوبی،
بریتانیا و اسپانیا که حدود ۴۵ میلیون

کارگر را نمایندگی می کنند تشکیل جلسه
دادند و خواستار پایان

سپتامبر سیاه

درباره اخراجها در فرانسه

نادر بکتاش

بینایی و انقلابی" منجر شود. بالاخره من بایستی حملات بر پرده بزیده و موضوعی به کارگران صورت یک جنگ منظم را بگیرد و پیشویهای عملی و گستاخه به شکل قوانین حقوقی همه جانب و منجم درآید. من بایستی سوسیالیستها با سیاستها و عملکرد ضد کارگری خود زمینه را به اندازه کافی آماده کرده باشند.

و با فضاحت از قدرت کنار رفته باشند تا راستی که پشت به اکثریت خرد کنند و بیسابقه در تاریخ دمکراسی فرانسه داده مانشین جنگی اش را علیه کارگران به حرکت درآورد. من بایستی کارگر مهاجر زیر نشار قوانین و سرکوب پلیسی خرد شده باشد، بیکاری و خوف بیکاری و یاس و فدان چشم اندان بسیج کنند کل طبقه کارگر را فلک کرده باشد، حکومت بی چون و چهای ایدنولوژی بازار و حقانیت و ابدیت سرمایه داری تامین شده باشد، تا بورژوازی فرانسه دست به "انقلاب" بزند و دهد نو را به دهه هشتاد انگلیس و "انقلاب تاپری" تبدیل کند.

آیا روای سرمایه داران برای داشتن خیل بردگانی که بتوانند آنها را با هر دستمده و هر ساعت کار و هر شرایطی به کار بکشند در حال تحقق است؟

اعلام جنگ علیه کارگر

نادر بکتاش

بعد از پیش نویس قانون پنجساله اشتغال وقت و بهره گیری از امتیازات مالیاتی و قانونی مرتبه با آن، با استفاده ۱۰ یا ۱۲ کار دستمزد ۶ یا ۷ نفر را پیرا زاده. در شواری وزرا و اولیل اکثیر به پارلمان اراده خواهد شد. روزنامه دست واسطه فیکار با تائید راستای عمومی پیشنهادات قانونی که بر عرضه کلا و خدمات می پردازند من می توانند یکشبیه ها باز باشند. حذف تعطیل آخر مقنه از مواردی بود که در زادیکال نیستند نوشت: "چرا فرانسه کمتر از سایر کشورها (مشابه) شغل ایجاد می کند؟ عده زیادی عقیده دارند که علت زیادیکر منجر شده بود.

۲ - حقوق کارگران: مطابق با این قوانین حقوق مزدیگران در بنگاهها لطفه شدید خواهد خورد. مبارزات طولانی کارگری منجر به ایجاد و تثیت نهادهایی در بنگاهها شده است که از کانالهای مهم اعتصاب و مداخله مزدیگران در جواب مختلف حیات مراکز تولید هستند. قوانین

سرمایه داری" به قدرت رسیده بودند در

دوره حکومتشان از سرمایه داری اعاده گشته بودم. همان روز اول ساعت ۴ بعد از ظهر اطلاع دادند که اخراج شده ام.

* اگر متاهل و صاحب فرزند باشید و شغلتان را از دست بدھید، معلوم نیست تکلیفتان چه می شود.

* بعدش چکار خواهیم کرد؟ اینها بخشی از واکنش کارگران اخراج شده اند. اخراجی که مفسرین رسانه ها را ناجار کرد هر فر از "سپتامبر سیاه" و "چهارشنبه سیاه" بزند. چهارشنبه ۱۵ سپتامبر چندتایی از بزرگترین بنگاههای دولتی و خصوصی فرانسه (ایرفرانس، بول، پیو، تامسون، استکما) برنامه های خود برای اخراج و حذف مشاغل را اعلام کردند. همچو اخراج مانند بیماران توان تقاضای اضافه دستمزد کرد چون بنگاهها در میانی اعتصاب کارگری زیر بار "منطق سرمایه داری" متزل و خرد و پراکنده شده است.

نمی توان تقاضای اضافه دستمزد کرد چون بنگاه نمی تواند تعمیل کند، نمی توان از اخراجها جلوگیری کرد چون بنگاه سودآوریش را از دست می دهد، تباید در طرح مطالبات زیاده روی چون بنگاه نمی تواند در عرصه بین المللی رقابت کند. هر چند اعتراض کارگری کنایان در اعتصابات و حرکات متعدد خود را شان می دهد اما استگنی فدان چشم انداز و معتبر که عملی بزند بالاصله خود را اشتاب کند تنها نگرانی و نایمیدی و رخوت در فضای اجتماعی موج می زند.

اعتصاب کارگری زیر بار "منطق سرمایه داری" متزل و خرد و پراکنده شده است. نمی توان تقاضای اضافه دستمزد کرد چون بنگاهها در میانی اعتصاب کارگری زیر بار "منطق سرمایه داری" آنرا کم اثر می کند. با این وجود نمونه هایی نشان می دهد که در صورتیکه جنبش کارگری خود را از این بنست بیرون بکشد چه نیروی عظیمی آزاد خواهد شد.

اینها بخشی از واکنش کارگران اخراج شده اند. اخراجی که مفسرین رسانه ها را ناجار کرد هر فر از "سپتامبر سیاه" و "چهارشنبه سیاه" بزند. چهارشنبه ۱۵ سپتامبر چندتایی از بزرگترین بنگاههای دولتی و خصوصی فرانسه (ایرفرانس، بول، پیو، تامسون، استکما) برنامه های خود برای اخراج و حذف مشاغل را اعلام کردند. همچو اخراج مانند بیماران توان تقاضای اضافه دستمزد کرد چون بنگاهها در میانی اعتصاب کارگری زیر بار "منطق سرمایه داری" متزل و خرد و پراکنده شده است. نمی توان تقاضای اضافه دستمزد کرد چون بنگاهها در میانی اعتصاب کارگری زیر بار "منطق سرمایه داری" آنرا کم اثر می کند، نمی توان از اخراجها جلوگیری کرد چون بنگاه سودآوریش را از دست می دهد، تباید در طرح مطالبات زیاده روی چون بنگاه نمی تواند در عرصه بین المللی رقابت کند. هر چند اعتراض کارگری کنایان در اعتصابات و حرکات متعدد خود را شان می دهد اما استگنی فدان چشم انداز و معتبر که عملی بزند بالاصله خود را اشتاب کند تنها نگرانی و نایمیدی و رخوت در فضای اجتماعی موج می زند.

اعتصاب کارگری زیر بار "منطق سرمایه داری" آنرا کم اثر می کند. با این وجود نمونه هایی نشان می دهد که در صورتیکه جنبش کارگری خود را از این بنست بیرون بکشد چه نیروی عظیمی آزاد خواهد شد.

رادیکالیسم و حداکثر طلبی در مقابل

رادیکالیسم و حداکثر طلبی

دولت که از طرفی نگران عوایق اجتماعی این تهمام افسار گشته است و از طرف دیگر نمی خواهد تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۵ را دهنده گشته ریاست دهد در کنار این واکنشهای نخست وزیر و ملتی بعد دادگاهی که برای رسیدگی به این تصادف تشکیل شد رانده قطار و یکی دیگر از کارگران آنرا محکوم کرد. در کمتر از ۲۴ ساعت کارگران راه آهن اعتصابی عظیم به نشانه همیستگی با آنها فراخوان دادند که به لحاظ سرعت و کیفیت تیغی علیه این روزهای نشان می دهد که در صورتیکه سرمهای داران را تبیه کرد چنانکه هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری فرانسه آنقدر لجام گشته شده است که سرمهای داران و مدیران بنگاهها هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری نخست وزیر راست را هم وادار به فراخواندن بنگاههای خصوصی و دولتی به اتخاذ برخوردار مستولانه و حرف زدن از جبه سیاه این اخراجها می کند.

دولت که از طرفی نگران عوایق اجتماعی این تهمام افسار گشته است و از طرف دیگر نمی خواهد تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۵ را دهنده گشته ریاست دهد در کنار این واکنشهای نخست وزیر و ملتی بعد دادگاهی که برای رسیدگی به این تصادف تشکیل شد رانده قطار و یکی دیگر از کارگران آنرا محکوم کرد. در کمتر از ۲۴ ساعت کارگران راه آهن اعتصابی عظیم به نشانه همیستگی با آنها فراخوان دادند که به لحاظ سرعت و کیفیت تیغی علیه این روزهای نشان می دهد که در صورتیکه سرمهای داران را تبیه کرد چنانکه هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری نخست وزیر راست را هم وادار به فراخواندن بنگاههای خصوصی و دولتی به اتخاذ برخوردار مستولانه و حرف زدن از جبه سیاه این اخراجها می کند.

این تهمام افسار گشته است و از طرف دیگر نمی خواهد تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۵ را دهنده گشته ریاست دهد در کنار این واکنشهای نخست وزیر و ملتی بعد دادگاهی که برای رسیدگی به این تصادف تشکیل شد رانده قطار و یکی دیگر از کارگران آنرا محکوم کرد. در کمتر از ۲۴ ساعت کارگران راه آهن اعتصابی عظیم به نشانه همیستگی با آنها فراخوان دادند که به لحاظ سرعت و کیفیت تیغی علیه این روزهای نشان می دهد که در صورتیکه سرمهای داران را تبیه کرد چنانکه هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری نخست وزیر راست را هم وادار به فراخواندن بنگاههای خصوصی و دولتی به اتخاذ برخوردار مستولانه و حرف زدن از جبه سیاه این اخراجها می کند.

این تهمام افسار گشته است و از طرف دیگر نمی خواهد تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۵ را دهنده گشته ریاست دهد در کنار این واکنشهای نخست وزیر و ملتی بعد دادگاهی که برای رسیدگی به این تصادف تشکیل شد رانده قطار و یکی دیگر از کارگران آنرا محکوم کرد. در کمتر از ۲۴ ساعت کارگران راه آهن اعتصابی عظیم به نشانه همیستگی با آنها فراخوان دادند که به لحاظ سرعت و کیفیت تیغی علیه این روزهای نشان می دهد که در صورتیکه سرمهای داران را تبیه کرد چنانکه هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری نخست وزیر راست را هم وادار به فراخواندن بنگاههای خصوصی و دولتی به اتخاذ برخوردار مستولانه و حرف زدن از جبه سیاه این اخراجها می کند.

این تهمام افسار گشته است و از طرف دیگر نمی خواهد تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۵ را دهنده گشته ریاست دهد در کنار این واکنشهای نخست وزیر و ملتی بعد دادگاهی که برای رسیدگی به این تصادف تشکیل شد رانده قطار و یکی دیگر از کارگران آنرا محکوم کرد. در کمتر از ۲۴ ساعت کارگران راه آهن اعتصابی عظیم به نشانه همیستگی با آنها فراخوان دادند که به لحاظ سرعت و کیفیت تیغی علیه این روزهای نشان می دهد که در صورتیکه سرمهای داران را تبیه کرد چنانکه هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری نخست وزیر راست را هم وادار به فراخواندن بنگاههای خصوصی و دولتی به اتخاذ برخوردار مستولانه و حرف زدن از جبه سیاه این اخراجها می کند.

این تهمام افسار گشته است و از طرف دیگر نمی خواهد تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۵ را دهنده گشته ریاست دهد در کنار این واکنشهای نخست وزیر و ملتی بعد دادگاهی که برای رسیدگی به این تصادف تشکیل شد رانده قطار و یکی دیگر از کارگران آنرا محکوم کرد. در کمتر از ۲۴ ساعت کارگران راه آهن اعتصابی عظیم به نشانه همیستگی با آنها فراخوان دادند که به لحاظ سرعت و کیفیت تیغی علیه این روزهای نشان می دهد که در صورتیکه سرمهای داران را تبیه کرد چنانکه هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری نخست وزیر راست را هم وادار به فراخواندن بنگاههای خصوصی و دولتی به اتخاذ برخوردار مستولانه و حرف زدن از جبه سیاه این اخراجها می کند.

این تهمام افسار گشته است و از طرف دیگر نمی خواهد تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۵ را دهنده گشته ریاست دهد در کنار این واکنشهای نخست وزیر و ملتی بعد دادگاهی که برای رسیدگی به این تصادف تشکیل شد رانده قطار و یکی دیگر از کارگران آنرا محکوم کرد. در کمتر از ۲۴ ساعت کارگران راه آهن اعتصابی عظیم به نشانه همیستگی با آنها فراخوان دادند که به لحاظ سرعت و کیفیت تیغی علیه این روزهای نشان می دهد که در صورتیکه سرمهای داران را تبیه کرد چنانکه هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری نخست وزیر راست را هم وادار به فراخواندن بنگاههای خصوصی و دولتی به اتخاذ برخوردار مستولانه و حرف زدن از جبه سیاه این اخراجها می کند.

عکس العمل سندیکاهای

دیگر کل "ثابت دست" سندیکاهای وابسته به حزب سوسیالیست که در دهه اخیر از هر گونه محتوای اعتراضی و جانبازاری از کارگر تهی شده است از بازگشت "میانهای قدیمی اینتلولوژیک" صحبت می کند و خواهان تسامس با سایر سندیکاهای برای دست زدن به تحلیل شرایط است.

"آب او" اعلام می کند: "هدف پیش نویس ازانه شده آزادی پیشریت کارگرها و اینبار و ارزان را به خدمت خواهد گرفت. تقدیل پیشریت مزدیگر است." عکس العمل "ث، و، ت" از دو سندیکاهای فوق رادیکالتر است و دیگر کل آن با اعلام اینکه "پیش نویس قانون یک مانشین جنگی حقیقی بر علیه قانون کار است" پیشنهاد ممکاری و همانگی به دیگر سندیکاهای می دهد.

اما سندیکاهایی که خود منطق سرمایه داری را پنجه اند، که بیش از آنکه به فکر کارگر باشند به فکر میهن هستند، که در یکی از ضعیف ترین موقعیت‌های تاریخی خود قرار گرفته اند، آیا می توانند در مقابل این تهایم لجام گشته باشند که استقرار یک بزرگ داری مدرن استادگی کنند؟

جديد در صورت تصویب و اجراء زیر آن

شامل کارگران هم می شود از کسب اطلاعات در صوره جنبه های مالی و اداری محروم می شود و غیره.

۴ - تحت عنوان آسوش آزوشن حرفه ای کارگرها می توانند کوکان را از سن ۱۹ سالگی به کار بکشند. آموش اینباری تا شاخص رشد اقتصادی از فاکتورهای تعیین دستمزدها می شود و

کارگرها یک نیروی کار بی تجربه مبارزاتی و ارزان را به خدمت خواهد گرفت. ۵ - با سبک کردن هزینه های مربوط به سرمایه، میلیاردها فرانک که صرف هزینه های تاریخی آن را به خدمت خواهد دارد. طبق این پیش نویس وجود تنداره اما پهارچ طبله شد. ۶ - با سبک کردن هزینه های مربوط به سرمایه داران، هزاران کارگر را به خیابانها می بینند. سرمایه داری نخست وزیر راست را هم وادار به فراخواندن بنگاههای خصوصی و دولتی به اتخاذ برخوردار مستولانه و حرف زدن از جبه سیاه این اخراجها می کند.

۱ - در زمینه دستمزده: با انوع و اقسام قراردادهای موقتی استخدام مثل استخدام جوانان، قراداد اشتغال - همیستگی، ادغام حرفه ای و نظایر آن، کارگرها صدھا هزار مزدیگر را با کمتر از حداقل دستمزد به کار می کشند.

۲ - ساعات کار: محاسبه ساعت کار، که در حال حاضر هفتگی است، سالیانه خواهد شد. بدین ترتیب کارگرها می توانند مطابق شرایط علیه کارگران این کشور سازمان داد. اینک به نقطه اضافه کاری خودداری کند.

*

*

*

*

*

*

*

*

*

*

*

*

*

تشکیل اتحادیه کارگران زن در فیلیپین

آمیز است. وقتی وارد این مناطق میشود هزاران اعلامیه با این جمله توجه را جلب میکند: "شما وارد منطقه صنعتی صلح آمیز میشود". مستول منطقه بارها به سازماندهی‌گان اتحادیه‌ای اختار کرده است که "خراپکاران" اجازه ورود به منطقه را ندارند و حق ندارند "رابطه صلح آمیز بین کارگران و مدیریت را بهم بریزند".

در اکتبر ۱۹۹۳ جسد دو زن در فاضلاب پیدا شد. به آنها تجاوز شده بود. یکی از آنها فعال اتحادیه‌ای بود که برای تشکیل اتحادیه‌امضا جمع آوری کرده بود. هیچ وقت روش نشد که چه اتفاقی افتاده است. بعضی‌ها میگویند که آنها صرف قریب‌یان تجاوز جنسی بودند. بعضی‌ها میگویند این توریسم علیه فعالین اتحادیه بود.

مسئله اینست که این اتفاق باعث ترس و وحشت در میان کارگرانی شد که نسبت به فعالیت اتحادیه‌ای عکس العمل مثبت نشان داده بودند. یکی از اعضای ما از ترس از این منطقه رفت.

عکس العمل شرکت‌ها به تشکیل یابی کارگران در اتحادیه چه بوده است؟

یکی از چیزهایی که اتفاق افتاد بسته شدن کارخانه‌هایی بود که اتحادیه در آنجا تشکیل شده بود. وقتی یک کارخانه بسته

بسته شدن کارخانه‌ها نیز بسیار معمول است. با تعطیل شدن مجتمع تولید نیمه عایق، ۳ هزار عضو مرکز ما که در صدرشان زن بودند، از کار بیکار شدند. سال گذشته کارخانه فیلیپ موریس که من در آنجا کار میکردم، در صدر نیروی کار خود را اخراج کرد. به عبارت ییگر نیروی کار از ۶ هزار به ۱۲۰۰ نفر کاهش پیدا کرد. کارگران زن مسن که از سن ۱۳ سالگی و از شروع افتتاح کارخانه یعنی ۵۲ سال، پیش کار میکردند بیکار شدند. شعبه آمریکای فیلیپ موریس ماشین آلات خود را به فیلیپین فرستاد. هم اکنون هر کارگر با سه دستگاه کار میکند.

دستمزد کارگران زن چقدر است؟

کارگران کارآموز روزانه ۲۵ پسوز یعنی ۱ دلار دستمزد میگیرند. هنگامیکه کارم را در کارخانه فیلیپ موریس شروع کردم در عین حال سال اول کالج بودم. خواهش دیگر نیتوانست خرج مرا بدخد. من هم چون از ساعت ۶ صبح تا ۶ عصر کار میکردم، توانستم تحصیلاتم را ادامه بدهم. روزی ۱۲ ساعت با دستمزد ۲۵ پسوز کار میکردم. ۶ ماه کارآموزی داشتم و ۶ ماه هم بطور آزمایشی کار کردم. در این مدت دستمزد همان ۲۵ پسوز بود. بعد از یکسال به تدریج دستمزد یک و نیم پسوز

پیاده میکند. بانکهای آمریکایی کار باشند. فیلیپین را نمیکنند.

چه موانعی در مقابل بسیج کارگران زن وجود دارد؟

مشکل ترین کار ما قانع کردن کارگران زن برای فعالیت در سطح رهبری است. علیرغم تاریخچه ده ساله فعالیت ما تعداد بسیار کمی از زنان در سطوح بالای اتحادیه فعال میشود و بازرسان که از تجمع کارگران خوشان نمی‌اید آنها را مجبور میکنند که صفت را ترک کنند و بر سر کار برگردند.

چرا مبایزیت شرکت‌های این مناطق عملنا کارگران زن استفاده میکنند؟

در تسامهایی که با کارگران زن در کشورهای دیگر آسیایی داشتم متوجه شدم که اکثر صنایعی که تولیداتشان را صادر میکنند کارگران زن استخدام میکنند. مدیریت در مناطق تجارت آزاد یا تولید در خانه از کارگران زن استفاده میکند زیرا زنان ساخت مستند. در فیلیپین بیوی، زنان از سینین پایین تریت میشنوند که اظهار نظر تکنند، در فعالیت‌هایی که سنتا مردانه بحساب می‌شوند شرکت نکنند، که شامل فعالیت

گراسیا آنجلس یکی از بنیان گذاران جنبش کارگران زن (سال ۱۹۸۴) در فیلیپین است. این جنبش در سراسر فیلیپین ۴۰ هزار عضو دارد و با جنبش کارگری اول ماه مه در ارتباط نزدیک است. گراسیا آنجلس از طریق این جنبش کارگران زن را مشکل کرده و برای حقوق آنها مبارزه میکند.

از نشریه "مولتی نشان مونیتور" چاپ آمریکا

چرا نگهداری از کودکان در فیلیپین مستعلمه مهم است؟

وجود امکانات نگهداری از کودکان بسیاری از کارگران زن بیوی آنها که فرزندانشان هنوز به مدرسه نمیروند، مهم و لازم است. بسیاری از کارگران زن امکانات خانوادگی یا مالی برای نگهداری از فرزندانشان را ندارند و برای همین مجبورند بر سر کار ترند. این یکی از دلایل است که کارفروماها بیوی در صنایع تولید نیمه عایق و بسته پندی مواد غذایی زنان ازدواج کرده را استخدام نمیکنند.

در دوره کاینه آکیتو قابوی وضع شد که طبق آن هر کمپانی که حداقل ۵ کارگر زن دارد باید مهد کودک نیز داشته باشد. ولی مسئله به اجرا درآوردن این قانون است. فقط سه کمپانی این قانون را اجرا کرده اند. حتی در این کمپانی ها نیز امکانات بسیار کمی در اختیار کارگران گذاشته میشود.

سخنگوی ما در یک کارخانه، تولید لباس برای صدور به آمریکا، کار میکرد. مدیریت این کارخانه سالانه فقط ۳۶ هزار پس برابر مهد کودک اختصاص داده است. این مبلغ صرفا دستمزد یک مردی است. این ۵۶ کودک برای نگهداری در این مهد کودک نوشته شده است. در نتیجه اکثر مهد کودک هایی که ما سازمان میدهیم از طرف سازمانهای مذهبی و تشكیل‌های زنان حمایت میشوند.

بعلاوه یک نکته مهم در بررسی مسئله نگهداری از کودکان، مسئله استفاده از نیروی کار آنها در خانه است. بسیاری از لباس‌های بوتیک های "بولومینگ دیل" در خانه‌ها در فیلیپین و با دریافت مبلغ بسیار ناچیزی دوخته شده است. وقتی در نیویورک بودم متوجه شدم که ارزانترین این ۲۰ دلار بفوایش میرسیدند.

شرایط کار کارگران در مناطق تولیدی ویژه صادرات چیست؟

در مبارزه برای سازماندهی کارگران این مناطق باید هم شرایط کار و هم شرایط زندگی را بررسی کرد. کارگران این مناطق در کارخانه میخواهند. در هر خوابگاه که بسیار کوچک است ۱۵۰ کارگر زندگی میکنند. فقط ۲ دستشیوه برای این همه کارگر وجود دارد و آب نیز محدود است. تخت ها در ۵ دیف قرار گرفته اند. فقط کار زنان همچو این کارگران میکنند. زیرا کار تکاری و یکنواخت است. کارگران زنان همچو این کارگران میگردند. پنجه کوچک در خوابگاه وجود دارد. علیرغم این وضعیت بد، کارگران مجبورند. برای استفاده از این خوابگاه ها بول بدهند. داخل کارخانه مشکل تهیه هوا دارد. کارگران زود مرضی میشوند. امراض رایج سل و درد سینوزیت است. تهیه همه جا در کارخانه بد است، بجز بخش تولید نیمه عایق ها که آنهم بخاطر نوع کالای تولیدی اش باید هوایش نهاده شود. به عبارت دیگر شرایط بهتر کار برای کارگران بوجود نیامده است بلکه برای حفظ کیفیت کالاهای دونالد و سایر رستورانهای غذایی سریع. تعداد زیادی از کارکنان بانکهای آمریکایی در فیلیپین نیز زنان هستند. این زنان با خطرناک است بیوی برای کارگران مسن تر که با برق توتون کار میکنند.

سیاسی و تظاهرات میشود. زنان بخاطر کار خانه و شغلی که دارند فرست صادراتی چیست؟

مناطق تولید غیر صادراتی مشابه مشکلات در همه مناطق تولیدی مشابه است. اینکه کارخانه سیگار یا لیاس تولید میکند کارگری مان با مسئله ای مواجه هستیم. بعضی از کارگران مرد به سیگار فرقی در شرایط کار نمیگذارند.

از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۲ در کارخانه تولید سیگار فیلیپ موریس کار میکردم. بعدها میگویند که زنان از موقعیت بهتری برخوردارند زیرا کارفروماها آنها را استفاده میکنند. جواب ما به آنها این بود: بله، شدن بخاطر مشکلات تنفسی استعفا بدهم.

شدن بخاطر مشکلات تنفسی استعفا بدهم. شرایط کار در این کارخانه مشابه شرایط در کارخانه تولید کالاهای صادراتی بود. این

فعال بود که بعد از یکسال مرا بعنوان سازمانده انتخاب کرد. ما موفق شدیم کارگر زنان همچو این کارگران میکردند.

بعد از یکسال استراحت، در یک کارخانه نیز کار میکردم. شرایط کار در این کارخانه بد است، بجز بخش تولید نیمه عایق ها که آنهم بخاطر نوع کالای تولیدی اش باید هوایش نهاده شود. به عبارت دیگر شرایط بهتر کار برای کارگران بوجود نیامده است بلکه برای حفظ کیفیت کالاهای دونالد و سایر رستورانهای غذایی سریع.

تعداد زیادی از کارکنان بانکهای آمریکایی در فیلیپین نیز زنان هستند. این زنان با خطرناک است بیوی برای کارگران مسن تر که با برق توتون کار میکنند.



کارگران کارخانه مبل سازی "راتان" در شهر "دوانو" در فیلیپین

میشود. کارفرما میگویند که دلیل آن اعتصاب کارگران و خواست افزایش دستمزد بوده است. از بین بردن اتحادیه روند عمومی است. از طرف دیگر به میگویند که کارخانه سودآور نیست در صورتیکه همان کارخانه را در جای دیگر براه می‌اندازند. یک کارخانه نساجی یا تشكل اتحادیه‌ای قوی اوپلین کارخانه‌ای بود که بسته شد. کارخانه به منطقه تولید صادراتی منتقل شد. ۱۲ کارخانه که اتحادیه داشتند به همین ترتیب بسته شدند و به منطقه تولید صادراتی منتقل شدند.

فعالیت شما در بخش کشاورزی چگونه است؟

عمده فعالیت ما در بین کارگران مزارع کشت موز و نیشکر است. مطالبه ما دستمزد برای همه اعضای خانواره است و نه فقط کارگری که استخدام شده است. در مزارع نیشکر همه اعضای خانواره در پروسه بریدن نیشکر شرکت میکنند ولي فقط به کارگر مود دستمزد داده میشود. ما موقق بقیه در صفحه ۱۳

افزایش پیدا کرد.

آیا کارخانه شما اتحادیه داشت؟

تنها اتحادیه‌ای که در کارخانه فیلیپ موریس بررسیت شناخته میشود، اتحادیه کمپانی بود. من عضو اتحادیه کی امبو بودم که علیه اتحادیه کمپانی مبارزه میکرد. بالاخره در سال ۱۹۸۷ موفق شدم اتحادیه کمپانی را که ۳۷ سال همچیز را تحت کنترل داشت، کارخانه به منطقه تولید صادراتی منتقل شد. کارخانه نساجی اتحادیه مترقبی کی امبو فعال بود که بعد از یکسال مرا بعنوان سازمانده انتخاب کرد. ما موفق شدیم کارگر زنان همچو این کارگران میکردند.

اعلان کردند که این کارخانه میکنند. شرکت ها از چه تأثیکهایی برای محدود کردن فعالیت اتحادیه‌ای استفاده میکنند؟

مشکلاتی در منطقه تولید کالاهای صادراتی داشتیم زیرا مسئول این منطقه

كِتَابُ الْمُؤْمِنِينَ

زماني که در دانمارک صحبت از کمک به مردم کشورهای جهان سوم می شود معمولاً صحبت از کمک به سرمایه‌گذاری در این کشورها است تا سرمایه‌ها بهتر کار کنند. اما بحث ما این است که این کمکها باید به جنبش کارگری و دموکراتیک این کشورها بشود تا اینها بتوانند خود را سازمان دهنده و شرایط زندگی بهتری در این کشورها نصیب مردم شود. فعالیت مستقل اتحادیه‌ها برای فعالیت و اتحادیه هایی که تحت سرکوب شدید هستند خیلی خلی ضعیف است. من باید در اینجا از فعالیت‌های این از طریق تشکیلات بین المللی خودمان (اتحادیه بین المللی کارگران مواد غذایی) نام ببرم. این اتحادیه از می‌نقط ادبیات از عضو دارد و به نحو واقعاً فعلی و ارزشمند از حقوقهای دموکراتیک و پیش از همه حقوق کارگری مانند حق آزادانه مشتمل شدن و حق انتساب، حق برگزاری جلسات و تظاهرات و هر گونه حق کارگری دیگر در هر نقطه جهان، بدون در نظر گرفتن اینکه این کشور در کجا واقع شده دفاع می‌کند. از طریق این اتحادیه بین المللی که دیرکل نیرومندی مانند دان گالین دارد کار وسیعی در رابطه با کمک به نیروهای امنیتی که مورد سرکوب واقع می‌شوند انجام می‌گیرد. مشکل بزرگ در رابطه با خاورمیانه و کشورهای عربی این است که تشکلهای کارگری خیلی کمی (چه قانونی و چه غیر قانونی!) مستند که عضو تشکل ما باشند. در اینجاها وظیفه بخصوصی در مقابل ما علیه دیکاتوریهای حاکم در این کشورها وجود دارد. ما باید کارگران این کشورها را کمک کنیم تا تشکل هایشان را بر پا کنند. تلاش وسیع ما می‌تواند این باشد که از طریق اتحادیه بین المللی خود به نیروی راسیسم، در مبارزه برای حقوق حقه مهاجرین و پناهندگان کوتاهی می‌کنند. حزب سوسیال دموکرات متساقنه مشفول محدود گردید یکسری از حقوق مهاجرین و پناهندگان است. ما یکی از محدود اتحادیه هایی هستیم که به این عمل اعتراض کردیم. در پرگتیرین بخش اتحادیه ما در کپنهایک با نزدیک ۲ هزار عضو، ۶۰ درصد را کارگران مهاجر تشکیل می‌دهند. این بخش اتحادیه کارаш به طور مرتب سازمان دادن کارگران خارجی و کمک به آنها برای دست یابی به حقوقشان و همچنین مبارزه در جهه های دیگر از حقوق منفی تا مستله حق پیوستن مهاجرین به خانواده شان را در دستور کار دارد. اتحادیه ما اعضای مهاجرش را از نظر حقوقی و قضائی هم کمک می‌کند تا به حقوق حقه شان دست یابند اتحادیه های دانمارک به صورت خیلی بدی پاسیو و خاموش هستند و در خیلی از مواقع از عکس العمل اخضایشان وحشت دارند، در یک موضع تهاجمی نمی‌ایستند تا به یک بحث فعال علیه چنین اعتقادی پیدا نمایند. به اعتقاد من بهتر است که در اتحادیه ها راجع به این موضع بحث کنند و گرنه دهان را بستن و هیچ حررقی تذبذن موجب رشد راسیسم می‌شود. بهتر است که اتحادیه ها وارد یک نبرد شوند. آنلاین هم اکنون خود را آماده یک کمپین بزرگ علیه راسیسم می‌کند. یک کمپین بد نیست اما من اعتقادی به آن ندارم، چون ما هر روز با مستله تعیض و راسیسم مواجه هستیم و این باید با یک مبارزه



بینت موس

بنت موس رهبر اتحادیه کارگان هتل و رستوران در دانمارک اتحادیه های کارگری دانمارک اعتصاب شکنان بین المللی هستند

بنت موس دبیر اتحادیه کارگران هتل و رستورانها و آجو سازیهای دانمارک است که دارای ۳۰ هزار عضو است. این اتحادیه سه سال پیش با متحد شدن سه اتحادیه صنفی کوچک (اتحادیه خدمتکاران، آشپزها و اتحادیه کارگران هتل و رستورانها) ایجاد شد و سپس اتحادیه کارگران آجو سازی هم به آن پیوست. محمود قزوینی همکار کارگر امروز در دانمارک با بنت موس که از رهبران رادیکال و سویسیالیست جنبش کارگری دانمارک است از جمله درباره سویسیالیسم، اروپای واحد و جنبش کارگری دانمارک گفتگویی انجام داده است که در زیر می خوانید در ضمن در شماره پنجم کارگر امروز نیز مصاحبه ای با بنت موس درج شده است.

وضعیت یک خانواده کارگری در دانمارک امروز چگونه است؟

بننت موس در درگیری با پلیس،
هنگام اعتراض به کشتی "بلک پرنس"

مداوم و متخد در همه زمینه ها پاسخ
گیرد. ما به طور مشخص در بخش
کپنهای اتحادیه مان یک پیشروی خوشحال
کننده داشتیم. اعضای فیلیپینی ما به
سازمان دادن رفاقتی خود در صفت خویش
دست زند. آنها به یکدیگر کمک می کنند
و چشم همبستگی بزرگی در ساختمان
اتحادیه مان برگزار کردند. همین شبکه
کارگران فیلیپینی بود که تظاهرات جلوی
حقول شرایتون را سازماندهی کرد. هتلی که
بی اخراج کارگران زن فیلیپینی دست زد.
کارفرما مجبور شد که آنها را دویاره به
استخدام کند. وقتی مهاجرین خودشان فعال
شوند این زمینه ای می شود برای اتحاد
گروگان کارگران

ما با جنبش کارگری در کشورهای معروف به جهان سوم مانند آفریقا، ترکیه، کشورهای آمریکای جنوبی و لاتین، ایران و غیره روپرتو هستیم، اما از طرف دیگر کارگران در اغلب این کشورها به شدت سرکوب می شوند و از حقوق پایه ای کارگری محرومند. شما چه کاری می توانید در این رابطه انجام دهید؟ منظورم همبستگی با کارگران این کشورهاست.

آماده مبارزه نیستند. جنبش اتحادیه‌ای نمی‌خواهد به طور جدی اعضاش را فعل و اکتیو کند. برای همین خیلی از اعضاء هستند که می‌گویند اعتصاب بی فایده است و اتحادیه‌ها به طور وسیع از اعضای پاسیو پر شده است. عضویت در اتحادیه کارگری مثل عضویت در سازمانهای غیره کلیسا می‌ماند. اتحادیه‌هایی در دانمارک هستند که آمادگی دارند تا اعضاشان را به تحرک و مبارزه پکشانند و برای خواستهایشان هنگام مذاکرات حول قرارداد کار نیرو بسیج کنند و محکم پشت خواستها پایستند و به خواستهای مهمی دست یابند. اما اتحادیه‌ای که می‌خواهد چنین چیزی را پیش ببرد، یعنی اعضاش را برای مبارزه سازمان دهد و بسیج کند و قدرت پشت سر خواست مطرح شده اش قرار دهد، با عدم وجود حقیقی حق اعتصاب روپرتو می‌شود، حتی در زمان مذاکرات قرارداد کار و این برای خیلی‌ها تعجب آور است. برای اینکه خیلی‌ها فکر می‌کنند که دموکراسی بورژواشی که ما در دانمارک داریم همراه با حقوقهای

در اینجا دو مشکل وجود دارد. یکی اینکه اتحادیه کارگران (دانمارک) بر سر خواستهای اساسی مثل کاهش ساعت کار و افزایش دستمزد (بطور کلکلی) از طرف تامامی اتحادیه ها با کارفرمها مذکور می کرد. الان چنین نیست. کارفرمها آگاهانه پراکنده میان اتحادیه های کارگری را دامن زدند آنها علاقمند بودند که فقط با پخش صنعت که "سی او" نامیده می شود قرارداد بینند و این قرارداد پایه و زمینه قراردادهای بعدی تقریباً می گیرد. جبش کارگری متعدد و محبوبته با خواستهای واحد وجود ندارد. آنها در مذاکرات پراکنده و ضعیف هستند. شکل دیگر این است که چنیش اتحادیه ای به طور واقع این ایده سرمایه داران را که دستمزدها نباید افزایش باید، پذیرفته است و اتحادیه های دانمارک به طور رسمی اعتراض شکن بین المللی هستند، زیرا هدف فورموله شده رهبران بالای جنبش اتحادیه ای این است که حقوق ما باید پایانیت تر از حقوق کارگران دیگر کشورها تغییر گیرد. شرکتی در رقابت با شرکتهای دیگر پیش می افتند که کارگرانش بگویند ما حقوق کمتری می خواهیم. بدین ترتیب آنها حقوق رفایشان را در شرکت دیگر زیر انتشار قرار می دهند پس چنیش اتحادیه ای دانمارک کار پیک اعتراض شکن بین المللی را انجام می دهد وقتی که می گویند "ما" بهتر رقابت خواهیم کرد و یا سرمایه های دانمارکی بهتر با سرمایه های دیگر کشورها رقابت خواهند کرد، در صورتی که ما حقوقی را پایان نگه داریم، خوب این موجب نشار بر کارگران در دیگر کشورها می شود و آنها هم مجبور می گردند حقوقایشان را پایین بیاورند. من توافق بگویم که چنیش اتحادیه ای دانمارک در حقیقت راضی به کاهش ساعت کار که امکان شغل برای رفقاء بیکار ما را فراهم می کند نیست و از یک حداقل حقوق که انسانهای پایین جامعه بتوانند زندگی نسبتاً

معمولی و طبیعی داشته باشند دفاع نمی کنند. اگر هدف اجرای چنین خواستهای اساسی باشد این نبرد و مبارزه با سرمایه داران را می طلبد و چنیش اتحادیه ای می خواهد با سرمایه داران همکاری کند. گروگاری اشتگاه گوناگونی در چنیش کارگری وجود دارد. سیستم مذاکرات قرارداد کار طوری تنظیم شده است که آنها حقوقها و دیگر شرایط کار را ثابت نگه می دارند به امید اینکه سرمایه داران سرمایه گذاری کنند. اما با همه اینها سرمایه ها مرتب ورشکست می شوند. پس این سیاست اتحادیه هاست که نمی خواهد این خواستها در مذاکرات طرح و دنبال شود. نباید این هم فراموش شود که خیلی از اعضای هم

از نقطه نظر تاریخی می توان گفت که در دانمارک جنبش کارگری تاثیر فراوانی بر روی شرایط زندگی معمولی کارگران گذاشته است. ما در یک جامعه سرمایه داری زندگی می کنیم که صد درصد باید مطمئن بود که همچنان این کارگران هستند که مورد استثمار و ستم هستند. اما جنبش کارگری تا درجه قابل ملاحظه ای بر جامعه تاثیرات سیاسی گذاشته است. برای همین اگر ما شرایط زندگی کارگر دانمارکی را با خیلی از کشورها در دنیا مقایسه کنیم، کارگر دانمارکی زندگی بهتری دارد. آن هم بعلت تاثیرات، نفوذ و قدرت جنبش کارگری بوده است، این را سرمایه داران به سبب خشیده اند، به آنها تحمیل شد و گرفته آنها در خطر این بودند که قدرت را از دست بدند. اما چیزی که در عرض ۱۰ سال گذشته اتفاق افتاده، این است که فاصله میان شاغلین و بیکاران خیلی زیاد شده. گروه بزرگی از کارگران سالهای است بیکارند و مشاغل اتفاقی و کوتاه مدت گیرشان می آید. زندگی بیکاران روز به روز بدتر می شود و یافتن کار برایشان مشکل تر می گردد. خیلی از کارگران شاغل نسبت به سرنوشت بیکاران بی تفاوتند. این خطر بزرگی است که همیستگی کارگری را تهدید می کند. این خطر در رابطه با پناهندگان و مهاجرین خیلی با اهمیت می شود. چون افراد من خواهند موقعیت خودشان را حفظ کنند و نسبت به فشاری که در این کشور به دیگران می آید بی تفاوت می مانند.

آدم می تواند در اینجا خانه ای داشته باشد، بعضی ها صاحب اتوبمبل و بقیه وسائل لازم زندگی می شوند و این به نظر خوب می آید. اما در واقع امروز کارگر نسبت به پنجاه سال پیش کار پیشتر و طولانی تری انجام می دهد تا بتواند قدرت خرید لازم را داشته باشد. خانواده های کارگری پنهانکاریهای خیلی بالایی دارند. خیلی ها هم که صاحب یک خانه معمولی هستند ورشکسته شده اند و نمی توانند بدنه کاریهای خود را پیراذند. زن و مرد هر دو روزی نزدیک به ۸ ساعت کار می کنند و خیلی ها هم اضافه کاری می کنند تا قدرت خرید خود را حفظ کنند پس می توان گفت که روز کار برای یک خانواده نسبت به پنجاه سال پیش طولانی تر شده است. کار زیاد، پرداخت دستمزد بر اساس مقدار کار نه زمان کار و یا دیگر سیستم های پرداخت دستمزد که آدم مجبور است

کارگر در فضایی فردی، رای وی را می‌گیرد و سپس اراده جمعی کنترل شده کارگران را به صحفه می‌آورد. بعث دنالد سوآرتز کمک می‌کند تا دیگر اتحادیه ها به سطح اتحادیه کارگران پست بررسد، که درجای خود امر مفید است. اما در مورد اتحادیه پست و به نظر من همینطور اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا به بن پست می‌رسد. اگر اتحادیه های کانادا بخواهند به مشکلی می‌تفاوتی و عدم شرکت اعضا در فعالیتهای اتحادیه فایق آیند، باید به اراده عمل آنان گردن نهند. این یعنی انتقال مرکز قدرت از مجمع ۲ یا ۳ سال یکار نمایندگان به مجتمع عمومی توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در کنار موانع ساختاری، محدودیت اهداف هم وجود دارد که عرصه های فعالیت اتحادیه ها را تنگ کرده و امکان ظرف و پراخت به مسائل سیاسی و اجتماعی را نمی‌دهد. او می‌گوید: "اتحادیه ها از لحاظ عملی و برنامه های آموختشی، بشدت حول مذاکره، جمعی متمرکز شده اند. مذاکره یک امر هیشکی نیست، بلکه هر چند وقت یکبار اتفاق می‌افتد و اساساً هم یک پروسه قانونی است. بنابراین بسته حضور اعضا را ضروری می‌سازد." پس از توضیع پیازهای سرمایه به محدود شدن افق اتحادیه ها به مذکوره جمعی و مبارزه ای که بورژوازی کانادا در طول چند سرد پیاره تصفیه کمونیستها از جنبش کارگری انجام داد، او تأکید می‌کند که برای تشوه و دخیل کردن اعضا، اتحادیه ها باید اهداف خود را توسعه دهند. چرا که مسائل سیاسی و اجتماعی، مسائل اعضا و اگر اتحادیه های آنها نپردازد، دلیلی برای حضور او وجود ندارد. بدین منظور سوآرتز دخیل شدن آنها را در عرصه های زیر پیشنهاد می‌کند: آموختش و پروشر، توسعه اقتصادی، مبارزه علیه راسیسم و سکسیسم، دفاع از صلح.

در کانادا پنجم اتحادیه نقش اساسی در گنجش کارگری ایفا می‌کند: اتحادیه کارگران پست، اتحادیه کارگران فلز، اتحادیه کارگران خدمات عمومی (بویو، شعبه این از برخی تفاوتها سیاسی، همگی در عرصه های پیشنهادی سوآرتز فعل هستند و سرمشق دهن اتحادیه دیگرند. آنها در کنار برنامه های عملی و آموختشی که در اتحادیه های خود دارند، گروههای فعال در عرصه های فوق را هم مورد حمایت قرار می‌دهند. بویو در زمینه سکسیسم و راسیسم به علت حضور گسترش زنان در اتحادیه ها و تنواع ملی طبقه کارگر در کانادا، سنگ تمام گذاشتند. اتحادیه کارگران پست به خاطر عوامل مبارزاتی در دفاع از حقوق زنان، نور چشم گنجش کارگران از تفاوتها سازی تا آنجا پیش رفت که شمار پرادردی، همیستگی اتحادیه را به پیشنهادات سوآرتز، به ارتقاء اتحادیه های دیگر تا سطح این پنجم اتحادیه کمک می‌کند. اما برای خود اینها و معرض عمومی اتحادیه ها چیز جدیدی ندارد. اتحادیه ها در کانادا مددخواست که به سیاست پیوسته آنها، اما به سیاست رفرمیست. سلطه این گراشی علت اساسی آنها توجه کارگران در تشكیل اش از باشد.

هدف رفرمیست حفظ بیان و صدای برده کارگر است. تشكیل کارگری که، حتی از سر زیرگی و استفاده از امکانات برای بهبود وضع کارگران، نیاز رفرمیست. سلطه این چاره ای ندارد جز اینکه به این هدف متمهد شود. انکه به قانون به جای انکا به توجه کارگر، محدود کردن مبارزه در محدوده قوانین موجود، عدم مبارزه برای وسعت پیشیدن به این قوانین، محدود کردن توقع کارگر از خود و زندگی اش به برده آبرومند، چنان نیازهای سرمایه، چون این محدود سرشنک می‌کند و با قرار دادن

برکناری رهبری وقت اتحادیه منجر شد. اعتراض به سرمایه، طبیعت طبقه کارگر است. مقص درستن کارگران چیزی نیست جز درک نکردن و یا نپرداختن به معضل واقعی که عبارت است از مانع شدن دمکراسی برای رو آمدن پتانسیل مبارزاتی انتصاف کارگران پست کانادا با

کار است، چنگ سختی از طرف مدیریت پست و دولت علیه اتحادیه شروع شد که استراتژی آن رام کردن اتحادیه و یا در هم شکستن آن است. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف سال ۹۱ رئیس پست کانادا با نفرت انسانه اتحادیه کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف رئیس پست کانادا با نیامدگی این اتحادیه های کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف رئیس پست کانادا با نیامدگی این اتحادیه های کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف رئیس پست کانادا با نیامدگی این اتحادیه های کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف رئیس پست کانادا با نیامدگی این اتحادیه های کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف رئیس پست کانادا با نیامدگی این اتحادیه های کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف رئیس پست کانادا با نیامدگی این اتحادیه های کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف رئیس پست کانادا با نیامدگی این اتحادیه های کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف رئیس پست کانادا با نیامدگی این اتحادیه های کارگران پست را با این واقعیت را در مثال زیر می‌توان دید.

"باید به آنها فهماند که پس از مرگ کارگران، رنگ سرخ دیگر رنگ مردم پسندی نیست." از سال ۸۷ تاکنون برای ته دوره متوالی، انتصابات کارگران پست اتحادیه بیرون یافزگشت به کار پارلمان فدرال غیر قانونی شده و بهبودی در سطح زندگی کارگران پست بدست نیامده است. همچنین رسیدگی کند. اما دست یافتن به روشی این اتحادیه در مبارزه علیه خصوصی کردن اتحادیه است که به علت غیر قانونی شدن مبارزه ای را سازمان نداده است. در این مانده و در نتیجه صدها پرونده شکایات در اتحادیه پیچید توده کارگر در محلهای کار به مثابه غالیترین مرتع تصمیم گیری و قابل عزل بودن نمایندگان در این مجتمع، هر موقع که اکثر انتخاب کنندگان اراده کنند.

محدودیت اهداف

دونالد سوآرتز بدرستی معتقد است که در

کنندگان اتحادیه های آنها فهماند که پس از مرگ از این اتحادیه، سیاست ضد اتحادیه ای می‌گیرند. این چنگ ابعاد اینتلولوژیک هم به خود گرفته، در جریان انتصاف ر

کارگر امروز

چند با اوضاع کنونی و تبلیغات وسیع بورژوازی این گرایش هم اکنون زیر فشار قرار دارد. اما جنبه مثبت قضیه اینجاست که هم اکنون دیگر خود را به مارکس و طبقه کارگر نمی چیزداند و از این لحاظ سردرگمی در میان کارگران کمتر شده و گرایش کمونیستی تمايز روش و آشکارتری با گرایشات دیگر پیدا کرده است. به بیان دیگر هم اکنون نقد مارکسیست بر جهان پذیرش پیشتری پیدا کرده و زمینه دخیل شدن گرایش کمونیست در صحنه اجتماعی و کشمکشی طبقاتی پیشتر شده است.

پذیرش ترتیب امروز باید تصریح روشنتری از گرایشات درون جنبش کارگری پیدست اداهاد.

مسائل مهمی که ذهن کارگران پیش رو و کمونیست را بخود مشغول کرده کدامند؟ تحولات چند ساله اخیر بین المللی چه تاثیراتی بر ذهنیت کارگران داشته است؟

امروز نداشت تشكیلهای مستقل کارگری و فشار هرروزه به وضعیت کارگران و در کل بورژوازی به طبقه کارگر زمینه های اعتراض وسیع کارگری را فراهم کرده و این وضعیت رهیان کارگری را بفکر انداده است. تلاش برای ایجاد تشكیلهای کارگری، تلاش برای مبارزه با سردرگمی کارگران و مقابله با تبلیغات بورژوازی علیه کمونیسم مسالمه کارگران پیش رو و کمونیست است. تحولات اخیر جهان و بر چهده شدن سرمایه داری دولتی و حرکت سیوی مکانیسم بازار و رقابت آزاد که با هیاهو و تبلیغات وسیع بورژوازی علیه کمونیسم و حمله به طبقه کارگری من از ایده های حاکم بر جنبش کارگری دیده باید هرینه های توییل را کاهش دهد و روشن است که کم

دست بازاریان در افزایش دستمزدها کماکان پایین بردن دستمزدها، واگذاری و فروش کارخانجات به سرمایه داران بخش خصوصی و بیکارسازیها وسیع است.

کلا تصویر شما از وضعیت جنبش کارگری در ایران چیست؟

امروز کارگران در ایران با مشکلات زیادی روبرو هستند. بیکاری، گرانی سراسم آور، سطح نازل دستمزدها و دلهز بیکار شدن و دهها معضل دیگر هر روز دست به گریبان آنهاست. هر روز به بهانه ای کارگر در موقعیت پذیری، قرار میگیرد، روزی چنگ کارگر در ایران برای مبارزه پیش بینی و وضع خود او داشتن تشکلی واقعی محروم است. تعامل این شرایط حالتی تداعی به جنبش کارگری در ایران داده است. اگر چه هم اکنون اعتراضات کارگری وجود دارد مثل اعتضابات کارگران نفت، کارگران نوره اهواز، کفش ملي و غیره و یا فشارهایی که کارگران برای به رسیدت شناخته شدن اول ماه مه نمودند و یا اعتراض به قانون کار اسلامی و غیره، این اعتراضات هم اکنون وجود دارد و رهیان عملی پیش رو و سویسیالیست خود را دارد.

اگر بخواهیم از گرایشات حاکم بر جنبش کارگری صحبت کنیم، شما بر روی کدام گرایشات اصلی دست میگذارید و گرایش کمونیستی در چه وضعیتی قرار دارد؟ برای صحبت در مورد گرایشات حاکم بر جنبش کارگری من از ایده های حاکم بر قشری از رهیان عملی که در جنبش

این حال خواست افزایش دستمزدها در صدر خواسته های کارگران قرار دارد. برای مثال قرار است کارخانه و کارگاههای وابسته به جهاد سازندگی خصوصی شوند و چون طبعاً بخشی از این واحدها برای سرمایه داران سود آور نخواهد بود احتمالاً آنها را تعطیل خواهند کرد و در نتیجه در این بخش نیز کارگران زیادی کار خود را از دست خواهند داد. از همین رو زمزمه مقابله با این وضعیت از هم اکنون در میان این کارگران شنیده میشود.

روند خصوصی شدن کارخانجات چه تغییراتی در مراکز کارگری پیجود آورده است؟

دولت جمهوری اسلامی که اکنون در یک ورشکستگی اقتصادی قرار گرفته تا آنجایی که عملکرد این شرایط بدینه های خارجی خود را ندارد، سعی در بازسازی اقتصادش دارد و میکوشد با کمربند کردن نقش دولت در سیاستهای اقتصادی و کم کردن هزینه های دولت به بازسازی سرمایه داری دست بزند و در این راستا اقدام به واگذاری مراکز و صنایع به بخش خصوصی کرده است. واضح است که سرمایه دار در بخشی دار و میکوشد با کمربند کردن هزینه دارد از این مراکز کار و تولید تحریم کرد امروز باشد و چون بسیاری از این مراکز دیگر با خصوصی شدن کارخانه های نیازمند بازداشت و نیازمند شدن کارگران شدند و آنها را به میکارسازی کارگران در بینای مسکن کارخانجات اشاره میکنم. در پی طرح تعدیل نیروی انسانی و اخراج های وسیع کارگران بینای مسکن سنتنچ نیز شروع به اخراج صدها کارگر کرد و چون بیکارسازیها، دسته دسته صورت گرفت اعتراضی یکپارچه بعمل نیامد و اعتراضات چند نفره و پراکنده کارگران هم پیجا نیزیست. البته عده ای از کارگران قیمتی که سالها کار کرده بودند و براحتی نیتوانستند آنها را اخراج کنند، به قسمتی دیگر فرستاده شدند که زیر نظر بنیاد مسکن نیزود و روشن است که این مقدمات اخراج آنها در دور بعدی است. کارگران اخراجی نیز چون اعتراضاتشان به بنیاد مسکن جواب نگرفت به اداره کار مراجعه کردند و خواهان بازگشت بکار شدند. در اداره کار به آنها گفته شد که این روند سراسری است و کاری نمیشود کرد و اگر زمینه اشتغال فراهم شود دوباره خبرشان اخیر کارگران را دست به سر نکند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. بنابراین از ابتدای سال جدید و با طرح خصوصی شدن کارخانجات و بیکارسازیها وسیع و بیم کاهش بیش از این دستمزدها، خواست افزایش دستمزدها به مسالمه ای جدیتر از همیشه تبدیل شد و هم اکنون زمزمه های اعتراض پیش این خواست در میان کارگران شنیده میشود. از این رو رژیم جلت جلوگیری از اعتراضات وسیع و متحمل اعتراضات خیابانی کارگران، بحث هایی در مورد ترمیم دستمزدها نموده است.

اخیراً بحث هایی در مورد ضرورت ترمیم دستمزدها کارگران شده است. زمینه های این بحث ها کدامند و کارگران چه میکویند؟

دانمه وسیع بیکارسازیها و راندن بخشی دیگر از کارگران به خیل بیکاران، بینون همچو احمدی کارگر کارخانه ای در تهران پوده است که اخیراً به خارج کشور آمده است. شهرلا دانشفر از همکاران کارگر امروز با جواد احمدی درباره اوضاع فعلی جنبش کارگری ایران گفتگویی داشته است که در زیر می خوانید.

اخیراً بیکارسازیها گسترده ای در ایران انجام شد. په اعتراضاتی در مقابل این بیکارسازیها بود؟

دانمه وسیع بیکارسازیها و راندن بخشی تامینی و نیز هیچ امیدی به اشتغال مجرد در وله اول باعث نگرانی شدید کارگران و خانواده هایشان همچو این موضع کشانیده است. در میان اکراه و مقابله این اخراجها اعتراضات دارد و میکوشد با این روش کارگران آنها را باشد و چون بسیاری از این مراکز دیگر با خصوصی شدن کارخانه های نیازمند بازداشت و نیازمند شدن کارگران شدند، آنها را بخواستند که این را تحمیل کنند و بیوهه اینکه به میکارسازی کارگران در بینای مسکن سنتنچ اشاره میکنم. در پی طرح تعدیل نیروی انسانی و اخراج های وسیع کارگران بینای مسکن سنتنچ نیز شروع به اخراج صدها کارگر کرد و چون بیکارسازیها، دسته دسته صورت گرفت اعتراضی یکپارچه بعمل نیامد و اعتراضات چند نفره و پراکنده کارگران هم پیجا نیزیست. البته عده ای از کارگران قیمتی که سالها کار کرده بودند و براحتی نیتوانستند آنها را اخراج کنند، به قسمتی دیگر فرستاده شدند که زیر نظر بنیاد مسکن نیزود و روشن است که این مقدمات اخراج آنها در دور بعدی است. کارگران اخراجی نیز چون اعتراضاتشان به بنیاد مسکن جواب نگرفت به اداره کار مراجعه کردند و خواهان بازگشت بکار شدند. در اداره کار به آنها گفته شد که در آن کارگران همواره برای بهبود سطح دستمزده خود در جدال با صاحبکاران مستند است. در سالهای اخیر شورایعالی کار برای جلوگیری از اعتراضات گسترده کارگری و کشیده شدن آنها به سطوح دیگر هر ساله اندکی دستمزدها را افزایش زندگی و میکنند. ایضاً از اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. بنابراین از ابتدای سال جدید و با طرح خصوصی شدن کارخانجات و بیکارسازیها وسیع و بیم کاهش بیش از این دستمزدها، خواست افزایش دستمزدها به مسالمه ای پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از این دستمزدها را افزایش یافته و عملی در اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. اداره، ناجار به پنیرش پرداخت به ازای هر سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. اما کارگران مصراحته خواهان پرداخت مزايا و بیمه پیکاری به اخراج شدگان شدند. اینتا بنیاد مسکن و اداره کار زیر بار نیز شروع به اداره کار و خضور جمعیت اخراج های وسیع کارگران در جلوی اداره کار و خواست افزایش دستمزدها را در میان کارگران تداوم و وست بخشیده است. سال کار، یکهاد حقوق به کارگران اخراجی شدند که تا کنون این اتفاق نیافرند. آنرا پرداخت بزند از

تشکیل اتحادیہ کارگران ذن در فیلبسن

بقیه از صفحه ۸

شدیم خانواده ها را بر سر این مطالبه متوجه کنیم. همچنین موفق شیوه دستمزدها را در برخی مزارع افزایش دهیم. ولی وضعیت در اکثر مزارع تغییری نکرده است. مشکل دیگر اینست که آمریکا سهمیه نیشکر وارداتی از فیلیپین را کاهش داده است و بسیاری از این مزارع به مناطق صنعتی تبدیل شده اند. فدرالیسون سراسری کارگران نیشکر ۴۵ هزار عضو داشت. ولی با کاهش صادرات به آمریکا این تعداد ۵۰ دوصد کاهش، سدا کرده است.

وقتی یک مزرعه به منطقه صنعتی
تبديل میشود، وضعیت کارگران و
خانواده هایشان چه میشود؟

۲۰ هزار خانواده منبع امرار معاش خود را از دست دادند. بعضی ها به یک منطقه دیگر رفتند. بسیاری به یک کشور دیگر مهاجرت کردند. ولی اکثر آنها بیکار ماندند. کارگران مرد بعضی شغل‌های فصلی پیدا میکنند. برخی سازمانها با برنامه اقتصادی - اجتماعی کارگران را مشغول به کاری میکنند. ولی این اقدامات اصلاً کافی نیست و اکثر کارگران بیکارند.

بزرگترین کمپانی های صنعت میوه
آمریکایی در فیلیپین کدامند؟

آنچه دیگری های کارگری

دانمارک ...

۹ از صفحه

سوسیالیسم در اساس درباره این است که کارگران باید خود و زندگی هر روز خود و جامعه خود را سازمان دهند بدون اینکه نیازی به بوروکراسی، دستگاه دولتی و غیره که امروز ما می شناسیم باشد و بدون اینکه ارشتش و کارفرما و مدیری و سرمایه داری و انواع و اقسام چنین چیزهای باشد. کل آن ایده سوسیالیستی که کارل مارکس و دیگران برای ایجاد آن تلاش کردند هرگز در هیچ جامعه ای تا حالا عملی نشده است. در انقلابهای مختلف تلاش شد تا به سوسیالیسم دست یابند اما موفق نشدند. مثلاً در اسپانیا در دهه ۳۰ این قرن اتحادیه های کارگری کلکتیوی بودند که قدرت را در بسیاری از بخشها تولیدی و خدماتی کشور به دست گرفتند اما فاشیسم آنها را مغلوب کرد و هر چند انقلاب ۱۹۱۷ شوروی از نظر من انقلاب پرولتاری بود اما امپریالیسم با ایزوله کردن آن و مسائل دیگر بعده انقلاب در همان دهه ۲۰ شکست خورد و خود ایده سوسیالیسم در کشورهای مختلف مورد تحریف واقع شد و کارگران هرگز قدرت واقعی نداشتند. شوروی و چین و دیگر کشورهای به اصطلاح سوسیالیسم با چنگ و دندان به این یا آن بند سوسیالیسم و به ایده سوسیالیسم ضربه زدند. اضمحلال بلوک شرق این نتیجه منقی را داشت که کارگران این کشورها از همان نان و غذایی که دستشان را می گرفت محروم کرد، هر چند آنها مثل زندانیانی بودند که فقط نان و غذا دریافت می کردند و از آزادیهای دموکراتیک برای مبارزه و بسته آوردن زندگی بهتر محروم بودند اما فروپاشی شوروی این خاصیت مشیت را داشت که مبحث اتحاد جهانی کارگران از شرق تا غرب را به صحنه رانده و امروز صحنه مبارزه نه میان آمریکا و شوروی بلکه میان کارگران جهان علیه حکومت کنندگان از شرق تا غرب چیده شده است. فروپاشی شوروی همچنین یک بحران عظیم ایدئولوژیکی را برای اولین بار در جنبش کارگری جهان بوجود آورد و بطور واضح جنبش کارگری سوسیال دموکراسی هم در بحران عیقی به سر می برد. وقتی بازار سرمایه داری پر رونق نیست برای استراتژی رفم سوسیال دموکراسی جانی باقی نمی ماند. جریان غالب امروز این است که هیچ راهی به چنین نظم و نسق دادن به سرمایه دارد، نیست. فرمایش بلکه شرق به بحث مبارزه ای انترناشیونالیستی است و هر مبارزه کارگری با وجود شرکتهای چند ملیتی باید کل اروپا را مذ نظر داشته باشد. زیرا ما با شرکتهای عظیم چند ملیتی مواجه هستیم. این زیاد مشتری شمر نیست که فقط در کارخانه ها و شرکتهای دانمارک برای حقوق خوب مبارزه کرد. این شرکتها به راحتی تولیدشان را به کشورهایی که نیروی کار ارزانتر و غیر متشکل تر در آن جاست منتقل می کنند. این روش است که هر خواستی بین المللی است اما ما وقوفی شناسمند را سبک و سنگین می کیم باید آنگونه انتخاب کیم که جنبش کارگری بیشترین تاثیرات را در زمانی که امکان تقلیل سوسیالیستی نیست بگذرد. در همین کشورهای موجود هم اکنون امکان تاثیرگذاری جنبش کارگری بیشتر است تا در یک اروپای بزرگ. آن روزی که سرمایه داران اروپائی در ساختن یک دستگاه دولتی خیلی خیلی بزرگ موفق شوند و همه قوانین و مقررات و سیستم قضائی و دادگاهها عمیقاً یکی شود، غیر ممکن خواهد شد که جنبش کارگری بتواند تاثیر جدی سیاسی بر کشورهای اروپا بگذارد. اگر امروز ما یک دولت واقعی کارگری (نه سوسیال دمکرات) در دانمارک داشته باشیم، این دولت در خیلی از زمینه ها نمی تواند اصطلاحات و حقوق ما را به اجرا بگذارد، چون همه چیزها در کمیسیونهای اروپائی تعیین می شود و یک برخوردار میان آنها و تصمیمات دولت کارگری بوجود می آید. ما با بحران عمیق روپرتو هستیم که امکان تعیین گردن اهداف جنبش کارگری در کشورهای مختلف اروپائی از توان متفاوت برخوردار است و اروپای متعدد جامعه همکاریهای سرمایه داران اروپائی در عالیاترین شکلش است. این مستله تاثیر جنبش کارگری ذر یک کشور را خیلی کم کرده، چه رسد به انقلاب سوسیالیستی. اتحاد اروپا در مقابل مبارزه ما برای ساختن یک جامعه بهتر قرار دارد. برای همین ما آن را نمی خواهیم. اما بعد می توانیم در مورد شکلهاه دیگر همکاریها به بحث و تبادل نظر پردازیم که حقوقهای به رسیت شناخته شده کارگران در همه اروپا اجرا شود تا این به جنبشهای کارگری ضعیفتر کمک کند. ما در اتحادیه مان تفاوت داشتمیم که اتحاد اروپا یعنی حمله به دستاوردهای ما.

یک جنبش کارگری متحده اروپا می تواند بهتر بر دولت اروپایی واحد تاثیر گذارد، نه؟

اتحادیه ها در اروپا به شکل سراسری مشکلند ما اتحادیه سراسری اروپا را (الا و اروپا) داریم اما روش آنها تکیه بر مبارزه و حرکت کارگران و نمایندگان آنها نیست. اینها فقط می خواهند از طریق مذکورات چیزی را پیش ببرند.

می توان گفت که جامعه متعدد اروپا امروز وجود دارد. این جامعه امروز دستگاههای اجرائی و قانونگذاری و قضائی خود را دارد. مسلمان جنبش کارگری باید بر روی کل این جامعه تأثیر سیاسی بگذارد. مسلمان ما باید این کار را انجام دهیم. اما خود اروپای واحد و حمایت سیاسی در سازمان دادن آن این امکان را از جنبش کارگری برای زیر و رو کردن هر تک کشور می گیرد. این غیر ممکن است که آدم تصور کند که از طریق دستگاه دولتی اروپا آدم بتواند تغییری در جامعه ایجاد کند. اما این درست است که ما باید مطالبات مشترکی در مقابل دولتهای اروپائی قرار دهیم، مانند ۳۵ ساعت کار که از طرف فلزکاران آلمان طرح شد و به خواست همه کارگران اروپا مبدل شد.

بار، صاف می کند. و یا گرایش رادیکال نادر می شود با پس زدن رفمیسم و حاکم بودن افق ضد سرمایه داری بر اتحادیه ها، وازن قوای موجود را به نفع طبقه کارگر ر هم زده و جاده را برای پیش رویهای ساسی طبقه کارگر هموار می کند. تعیین احکاییف این دو افق، مضاف اصلی جنبش بازگردی کانادا در دهه نود است.



آنجلس، از بنیانگذاران جنبش زنان کارگر در فیلیپین

میکنیم. قبل از انتخابات بسیاری مبلغ پایکوت کردن انتخابات بودند. من در انتخابات شرکت کردم چون فکر میکردم بالاخره یک سیستم دموکراتیک در کشور بوجود میاید و آکینو قول بهبود وضعیت کارگران را داده بود. ولی وقتی دیدم شرایط تغییری نکرد از اینکه در سال ۱۹۸۶ به آکینو رای دادم، پشیمان شدم.

انتظاراتتان از کایینه فعلی چیست؟

کاینده راموس تغییرات اساسی بوجود نخواهد آورد زیرا سیاست اقتصادی مشابه ای دارد. همه طرح ها و برنامه های راموس تبدیل فیلیپین به یک کشور صنعتی با قدرت صادراتی است. ما یک کشور با ظرفیت کشاورزی هستیم ولی از تایوان برخی وارد میکنیم. برنج ما نمیتواند در مقابل قیمت ارزان برخی تایوان رقابت کند. بدین خاطر که دولت در جواب به انتظارات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی سوسییدهای برنجکاران در فیلیپین را حذف کرد.

به عبارت دیگر بجای تولید کالایی که مردم به آن نیاز دارند، ما کالاهایی تولید میکنیم که مردم کشورهای دیگر به آن نیاز دارند. مثل میکرو چیز، لباس و همه چیز. ما حتی نمیتوانیم کالاهایی که خودمان تولید میکنیم را بخریم. یک لباس ذیر که تولید میکنیم معادل دستمزد دو روزمان است.

ما يک کشور صنعتی هستیم که حتی یک
مجتمع تولید اتوسوسیل ندارد و فقط
قطعاتی از آن را تولید میکند. ناظرین
میگویند که کشور این همه کارخانه دارد.
بنظر من، وضعیت یک کشور را نه با
شمار کارخانه هایش بلکه با نوع تولیدات
آن باید ارزیابی کرد.

اقدام که بروشني اذيت و آزار جنسی است
ادامه دارد. بعلاوه، این اقدام مدیریت انتقطه نظر اینستي محیط کار نیز خطرناک است.

نکوداد انتصاراتی می‌داشد در پیش صندوق کشاورزی، بیوته در مزارع کشت موز، بدیل حضور نیروهای ارتش کاهش پیدا کرده است. یکی از عرصه هایی که ارتش حضور داشت دارد مناطقی است که کارگران کشاورزی و همچنان ریاضی مبارز کردند. در این مناطق ارتش اعلام کرد که همه مشکلات زیر سر کمونیستها و فعالیت اتحادیه است و شروع به شناسایی فعالیت کرد. بسیاری دستگیر شدند و هم اکتوبر نیز فلاراسیون کارگران مزارع نیشکر تحریک است. یه همین دلیل وی دیگر نمیتواند در سطح محلی فعالیت کند و دانما در حال تغییر محل زندگی اش است زیرا نیروهای شیوه نظامی نیز در مناطق مختلف دنبال هستند. دو سال پیش جسد سه فعال اتحادیه ای که مزمعه پیدا شد. هیچ کس نمیداند چطور این اتفاق افتاد. حضور نیروهای ارتش به مردم مناطق نیز فشار وارد کردند. بعضی خانوارهای ها که عمدتاً اغلب این اتحادیه ای هستند، از دست نیروهای ارتش نقل مکان میدهند.

آیا شرایط کارگران بعد از سقوط
مارکوس بهبود پیدا کرد؟

ما فکر میکردیم در دوره کایینه کورازو آکینو بطرف آزادی های دموکراتیک حرکت

کمبود دمکراسی یا سلطه و فرمیسم

بقيه از صفحه ۱۰

شرکت اعضا در فعالیتهای اتحادیه باقی نمی ماند.

کیری تیجہ

دیگر اسی و آزادی نه موضوعاتی در خود،
که ظرفهای متفاوت بزای پیش بردن اهداف
اجتماعی متفاوت هستند. اگر قرار است
افق مبارزه کارگر در چهارچوب نظر موجود
محدود شود، آنگاه مهار کردن آن یک
شرط پایه و دیگر اسی مناسبترین ظرف
آرائه آن است. بالعکس اگر افق مبارزه، نظم
موجود را هدف گیرد، آزادی اراده و عمل
مستقیم به یک شرط پایه تبدیل شده و
مجامع عمومی توده کارگر در محل کار،
مناسبترین ظرف پیشبرد آن خواهد بود.

را کمود دمکراسی می داند. در ساختار آنها به تقویت دمکراسی و در افق به ابقای رفرمیسم می پردازد. لذا همانطور که دیدیم ممکنی به حل معضل جنبش کارگری نمی کند.

سلطه رفرمیسم معضل اتحادیه ها در کانادا و مانع ابراز وجود یکپارچه و رادیکال طبقه کارگر است. تعرض افسار گشیخته سرمایه و دولتش به دستاوردهای

سطح زندگی و حقوق طبقه کارگر به تار
رفته و قانوننگاری این یعنی سلاح مبارزات
رفریمیسم، همچنان کارگر را منتظر
نگهداشت، خسته کرده و می‌رود که
پای در آورد. تسلیم اخیر یک میلیون کار
خدمات عمومی، همچون لشکر شکست
خورده، به دولت سوییال دمکرات اوتار
نتیجه همین وضع است.

اتحادیه های کانادا، ضمن حفظ استقلال
آن دی پی (حزب سوییال دمکرات
کانادا) مبارزه سیاسی را تمام به آ
واگذار کرده اند. آنها وظیفه سیاسی خود
را، آنچه که این حزب در اپوزیسیون اس
به جمع کردن رای برای بقدرت رساندن آن
آنچه که در قدرت است به فشار بر آ
بنظور انجام رفرم، تعریف می‌کنند. سو
کارگر در این مبارزه هر چهار سال یکبار
یک رای است و او عامل فشار شدن،
وظیفه خود نمی‌داند. چرا که بدرستی من
بینند با پول و رای خود این حزب را بقدرت
رسانده تا برای او کار کند، چرا دیگر بای
فشار بیاورد. یا اگر قرار است با مبارزه
اصلاحات بسته اورد، این مبارزه را می‌
تواند روی هر دولتی متمرکز کند. دیگر چ
سو، رفابت، باراویزی در شهن کارگران
بمتابه قوانین طبیعی اقتصاد، کنترل و کاما
سرکوب مبارزات خارج از پرمانه توده
کارگر، مبنیزی کردن کارگران کمونیست و
رادیکال و غیره همگی جلوه های عملی این
تعهد هستند. کارگران در چنین تعهدی
شیرک نمی‌شوند. مغصل عدم حضور اعضا
در اتحادیه های کانادا، در پایه ای ترین
سطح از اینجا بر می‌خizد. در اتحادیه ها
اعتراض به استثمار در مهمترین حالت جای
خود را به اعتراض به استثمار بد داده
است. تقریباً این اعتراض اولی به جای دومی،
شرط اساسی ترغیب اعضا به شرکت در
فعالیتهای اتحادیه می‌باشد.

از اوایل دهه هشتاد تاکنون مبارزه طبقه
کارگر بیش از هر موقع، حتی برای افزایش
دستمزد و بهبود شرایط کار، به مبارزه
سیاسی و تعیین تکلیفهای وسیعتر با طبقه
حاکمه گره خورده است. بروز از کانادا،
آنچنان حق مذاکره جمعی و اعتضاب را
تعت فشار گذاشته که این دو سلاح عموماً
کاربرد خود را از دست داده اند. در بخش
خصوصی با تهدید به اخراج و بستن
کارخانه، در بخش دولتی با قانون بازنگشت
به کار پارلمان ها. در سیزده سال گذشته،

Iran: Workers protest closure

WT News Service:

One hundred workers of Nakhtab spinning factory in the central city of Isfahan gathered on Monday 6 September in front of the offices of the provincial authorities to demand action regarding their condition. With the shut down of production in the plant the 500 workers of Nakhtab have been put out of work, and have not been paid any wages for the past five months.

At the same time as the protest assembly, the workers' representatives went to Tehran to put their case to the state authorities there. Over 60% of Iran's textile industries are concentrated in Isfahan. A large section of these are now on the verge of bankruptcy, and are laying off their workers, following the implementation of the government's new economic policy.



international struggle, and, given the existence of multinational companies, every labour struggle should take into account the whole of Europe. We are faced with huge transnational companies. It is not much use just to fight in the workplaces and plants in Denmark for better conditions. These companies can easily move their production to places with cheaper and less organised work force. Clearly, every demand is an international demand. But when we weigh our chances, we make the kind of decision that allows us to make the greatest impact - that is during periods when there is no possibility of socialist revolution. There is a greater possibility for the labour movement to exert an influence in these same countries today than it would be in a bigger Europe. Once European capitalists succeed in building a very large state apparatus, integrating all the laws, rules and the judicial system, etc, it will become impossible for the labour movement to make any serious political impact on the European countries. If we had a really working-class government in Denmark today (not Social Democratic) it wouldn't be able to implement our reforms and rights, because everything is decided by the European Commission. There would thus be a clash between them and the decisions of a workers' government.

We are faced with a profound crisis which has robbed us of the possibility of promoting the objectives of the workers' movement here, since the situation requires of us to make the changes across the whole European community. But the labour movements in the different countries of Europe have different capacities. The EC is a community for the cooperation of European capitalists in its highest form. This has greatly diminished the influence of the workers' movement in the single countries, let alone [the possibility] of a socialist revolution. The EC stands against our struggle to build a better society. That's why we don't want it. But then we can talk about other forms of cooperation, so that the workers' recognised rights would be implemented in the whole of Europe, thus helping the weaker labour movements. In our union we were of the same opinion that the EC means an attack against our gains.

Labour activist killed by Kurdish nationalists...

From page 16

activists - particularly people who are known to have Left orientation. The assassination of Ra'ouf Kamel, Re'naas, and Francis are only some instances. The latest act of savagery was committed against Nazir Omar Ali, also known as Araam, a mechanics worker, an activist of the Unemployed Workers Union and a well-known figure of the Worker-communist Party of Iraq. He was abducted on the morning of Wednesday 25 August and taken to an unknown location. Nobody has so far taken responsibility for the abduction, and the ruling parties in Kurdistan have refused to accept responsibility".

While the comrades of Nazir Omar Ali were busy trying to gain his freedom and ensure his safety,

and while the Kurdistan rulers were denying any knowledge of the incident, the KDPI's assassins had already slain our worker colleague.

Nazir Omar Ali was picked up from his home by the KDPI's armed guards and was murdered the same day. His body was found three days later by members of his family.

We strongly condemn this savage action of the KDPI. We express our condolences to the family members of Nazir Omar Ali, to the workers of Kurdistan, to the Unemployed Workers Union and to the Worker-communist Party of Iraq.

But a united European labour movement would be better able to influence an EC state. Isn't that true?

The unions in Europe are organised in a general organisation. We have the European Trade Union Confederation. But their method is not to rely on the struggle and activity of the workers and their representatives. They only want to carry out things through negotiations.

We can say that the EC already exists. It has its own executive, legislative and judicial bodies. The labour movement should certainly try to influence the entire Community politically. We should certainly do that. But politically supporting the formation of the EC deprives the labour movement of the possibility of making radical changes in the single member countries. It is inconceivable that you could make changes in the society through the European administrative apparatus. But it is correct that we should put common demands to the European governments, like the 35-hour week which was raised by the German metal workers and which soon turned into the demand of all the European workers.

Let us turn to a very general question now. What are your views on socialism and the socialist cause?

Socialism basically means that workers themselves should run their lives and society, without need for bureaucracy, a state apparatus, etc. as we know today, and without an army, employers, capitalists and so on. The socialist idea which Karl Marx and others worked to materialise has never been realised in any society to date. Efforts were made in various revolutions to achieve socialism, but they were unsuccessful. For example in Spain in the 1930s collectivist unions took power in many production and service sectors of the country, but they were defeated by fascism. And the 1917 Russian revolution, though in my view a workers' revolution, was defeated in the very 1920s by being isolated by imperialism and in the face of other serious problems of the revolution. The very idea of socialism was distorted in the various countries, and workers were

The following English translation is based on the Persian translation of the original communiqué - Worker Today.

Communiqué on the formation of the Unemployed Workers Union in Kurdistan (Iraq)

The existing unemployment and its resulting hardships on the workers made the creation of the unemployed workers' union a real necessity. Thus, unemployed workers' unions were set up in the cities of Arbil and Suleymanieh.

The increasing contacts among the unemployed workers, and the agreement to avoid fragmentation of their organisations and to make use of all the possibilities and energy of the unemployed, made the unification of the two unions possible. Thus, following the continuous efforts of the Arbil and Suleymanieh unions for unity and to form the unemployed workers' union, and with full agreement on the form of the unity and the form of its direction, the Unemployed Workers Union in Kurdistan was formed on 6th January 1993 at the end of three days of talks. A nine-member leadership committee was also elected.

Unemployed Women and Men!

The Unemployed Workers Union in Kurdistan strives with all its power for the realisation of the demands of the unemployed and for the struggle against unemployment. The Unemployed Workers Union is the unemployed workers' genuine stronghold for their defence and for improving their living conditions. We call on all the unemployed to strengthen this stronghold.

Workers! Unemployment is an effective weapon which lowers your standard of living and reduces your demands; it is an ongoing attack against you. To fight it, cooperate with us, along with your organisations.

Long live the struggle of the unemployed to win a livelihood!

For the formation of unemployed workers' unions in all Kurdish cities and towns!

The Central Committee of the Unemployed Workers Union in Kurdistan
10/2/1993

In the Persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue contains the following main articles:

- War against workers - article on proposed French labour legislation
- Black September: on lay-offs in France
- Interview with two activists of the Iraqi women's movement
- Interview with Javad Ahmadi, labour activist from Iran

- Absence of democracy, or domination of reformism - article on unionism in Canada
- Women workers' union in the Philippines - interview
- Pages from History: Experiences of the workers' movement in Iranian Kurdistan
- New auto contract in Canada
- General strike in Ecuador - translation
- Women workers at spinning factory in Iran talk about the conditions - workplace report
- May Day in Canada - article

The international and Iranian workers' news are published in more detail in the Persian section.

ISSN 1101-3516

شروع انتقادیونا تایمیتی چارچری
WORKER TODAY
An International Workers Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush
Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN
Fax: (46) 8 - 52027259

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of
 Six months One year
 Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

Subscription Rates

Europe	Elsewhere
1 Year SKr140	1 Year SKr210
6 Months SKr80	6 Months SKr120

■ Institutions double the rate. ■ All prices include p&p.

Danish unions, international strike-breakers

Argues Bent Moos, militant leader of the Danish RBF union, in an interview with WT on the Danish labour movement, the EC, and socialism

Bent Moos is the Secretary of the Restaurant and Brewery Workers Union (RBF) and a long-time socialist labour activist in Denmark. He talked to Mahmoud Ghazvini, Worker Today co-worker in Denmark, about various issues of the Danish labour movement, the EC, immigration and the struggle for socialism. Here we publish excerpts from this interview. The translation is indirectly from the Persian translation of the interview. In our issue 5, Sep. 90, we carried an interview with Bent Moos on the campaign against the Fred Olsen shipping line and the workers' conditions on the Black Prince passenger ship.

Worker Today: Let me first ask you about your union? Could you give us a brief introduction.

Bent Moos: We formed our union three years ago by merging three unions in the hotel and restaurant branch. Previously, we were scattered in three small craft-based unions (the domestic workers', cooks', and hotel & restaurant workers' unions). We thought if all of us working in the hotel and restaurant sector got organised into a single union we would become more powerful. Also joining us was the brewery workers' union. So our union includes the beer production and distribution industry, which is very important for the hotels and restaurants. We only have 30,000 members. But our numbers are growing. This is because many in this sector are without rights, are unorganised and are harassed and intimidated.

What is the living condition of a working-class family like in Denmark today?

You could say that, historically, the workers' movement in Denmark has significantly influenced the workers' living conditions. We live in a capitalist society, and you should be 100% certain that it is still the workers who are being exploited. On the other hand, the labour movement has also much influenced the society politically. As a result, compared to many other countries, the standard of living of the Danish worker is higher. And this is thanks to the workers' movement and its power and influence. It was not a handout by the capitalists. This was forced upon them, because, otherwise, they would be in danger of losing their grip on power.

But what has happened in the last ten years is that the gap between the employed and unemployed workers has greatly widened. A large number of workers have been out of work for years, and can only get casual and temporary jobs. Their conditions are getting worse and worse and it is becoming increasingly harder for them to find work. At the same time, many of the workers who have jobs are indifferent towards the situation of the unemployed. This is a big danger which threat-

ens worker solidarity. The danger becomes even more serious with regard to immigrants and refugees, as people try to hold fast to what they have got and become indifferent towards others.

Here in Denmark you can have a house, some can buy a car, etc., which seems good. But in fact today workers are working more and longer hours than they did 50 years ago in order to be able to have the necessary purchasing power. Working-class families are deeply in debt. Many have become owners of a normal house, but they have become financially bankrupt and can't pay back the loans. Both of the couples work - fulltime - and many also work overtime. So, for a family the working day has become longer compared to, say, 50 years ago. Piece-wage, i.e. pay based on the amount of work - and not the hours - and other wage systems, make workers work faster and put the working-class families under physical and psychological pressure and harm them. Children have to spend long hours in nurseries... On paper and in the labour contracts the working time has been reduced, but [in reality] it is a very hard life. For those looking from the outside, life in Denmark may seem good. But the workers in Denmark don't have a good life either. There is also a big difference between the life of an employed and an unemployed worker.

Last year many unions passed resolutions in their congresses on demands like a 35-hour week, substantial pay rises, etc. Why haven't the union negotiators taken up these demands at the bargaining table?

There are two problems here. Until 1970 the LO [the Danish federation of trade unions] could negotiate with the employers on behalf of all the unions on such basic demands as reduction of working time and a general rise in wages. But this is not the case any more. The employers' organisation consciously tried to promote the dispersion among the unions. They wanted to sign contracts only with the industrial sector, the CO, which would then form the basis for the other agreements. A united workers' movement with common



demands does not exist. The labour movement stands divided and weak at the negotiations. The contract talks themselves are difficult since you don't have a labour movement which is strong and has single demands. The other difficulty is that the unionist movement has in fact accepted this idea of the capitalists that there should be no wage rises. Danish unions are officially international strike-breakers, because the formulated aim of the top leaders of the union movement is that our wages should stay below the wages in other countries. Thus, in the competition between two firms, the one whose workers take a lower pay wins, and they thus press down the wages of their fellow workers in the other firm. The Danish trade union movement is doing the work of an international strike-breaker when it says that if we keep the wages down "we" will compete better, the Danish capitals will compete better with capitals in other countries. This puts pressure on the workers in the other countries and they have to bring down their wages too.

I can say that the Danish trade union movement is not really for the reduction of working hours which would create the opportunity of work for our unemployed colleagues. It does not defend a basic wage which would allow the people at the bottom of society to have a relatively normal life. If the their aim was really to realise such basic demands this would call for a fight against the capitalists. But the unionist movement wants to cooperate with the capitalists.

There are different tendencies in the labour movement. The collective bargaining system has been so arranged as to make solidarity among workers impossible. The unions' policy is to keep the wages and working conditions as they are, in the hope that the capitalists would invest. But despite this, businesses go bankrupt. So it is their policy not to take up and push these demands at the bargaining table. It shouldn't be forgotten either that many of the members are not ready to fight. The unionist movement does not seriously want to make its members active. That's why a lot of the members say it is no use to strike, and the unions are full of inactive members. Membership in the union has become like membership in charity organisations of the church.

There are unions in Denmark who are prepared to make their members active, draw them to the struggle and mobilize forces for their demands at the time of contract talks. But a union which wants to wage such a fight comes up against this problem that a strike right does not really exist - even at the time of contract talks. Many find this surprising, because they think that the bourgeois democracy we have in Denmark comes together with bourgeois democratic rights.

Even in the UN Convention it is stated that workers should have the

right to strike, and it is the members who should decide whether they accept a particular contract or not, and that when they vote no to a contract they must also have the right to strike. According to a law in Denmark, the union section which has rejected the contract doesn't have the right to strike. A mediator compares the no votes of one union with the yes votes of a few others and denies the union the right to strike.

For example, in a union like the union of unskilled and semi-skilled workers (SID) if the transport section, with 70,000 members, votes to reject a contract it can't do anything. So the union and its members are denied their basic right. This is a big problem. It is also very disturbing that we don't have the right to go on strike during the life of the contract, when no contract talks are on. We are treated like criminals and fined. If we strike against lay-offs and plant closures, and if the union backs such strikes, they will be fined for millions of crowns. So, although not under a dictatorship, we have to use illegal methods in the strike to avoid the union itself being fined. And all of this, of course, under a bourgeois democracy.

A large number of your members are immigrant workers. What is the work of your union, and also of the other unions, on the problem of racism and discrimination?

In the 1970s, at the time of a capitalist boom, Denmark brought in immigrants from countries like Turkey, Pakistan and Yugoslavia.

The Danish capitalists imported them for their labour. But later, capitalism entered a crisis, and now the capitalists want to send these workers back to their countries [of origin]. Many Danes also want this, because they too are under pressure. It is at such times that racism raises its head, because there is this idea that foreigners come and take their jobs. Unfortunately this idea exists among the members of our union too. On the other hand, many of our members are immigrants. They are involved at all levels of the union. They elect and get elected. Our job is to create solidarity between the Danish and immigrant workers. But on the whole, Danish unions falter in the fight against racism and for the rights of immigrants and refugees. The Social Democratic Party is unfortunately engaged in restricting a series of the immigrant and refugee rights. We are one of the few unions who have protested against this measure. In our biggest section in Copenhagen, which has 3,000 members, around 60% are immigrant workers. The work of this section of the union is to organise the immigrant workers and help them to win their rights. It also fights in other areas, from workplace rights to the right to family reunion. Our union also helps our immigrant members in legal matters.

The Danish unions are badly inactive and silent. On many questions they are afraid of the reaction of their members. They don't take up an offensive pose so as to wage a vigorous debate against such ideas. In my view, it is better to discuss this question in the unions. Keeping quiet about it only favours the growth of racism. It is better that the unions enter into a battle.

The LO is now preparing for a big campaign against racism. A

campaign is not a bad thing, but I don't believe in it, because we are faced with the problem of discrimination and racism on a daily basis, which must be tackled through a continuous and united struggle in all areas. Specifically, in the Copenhagen section of our union we had a pleasant success: Our Filipino members began organising their colleagues in their branch. They helped each other and held a large celebration in our union hall. It was the same network of Filipino workers that organised the demonstration in front of the Sheraton Hotel, which had fired the Filipino women workers. The management was forced to reinstate them. When the immigrants themselves get active this promotes the unity of all groups of workers.

In the so-called Third World countries we are faced with large worker movements. But at the same time the workers in most of these countries are savagely repressed and are denied their basic labour rights. What can your union do in this regard - I mean in terms of solidarity with the workers in these countries?

In Denmark when they talk of helping the people in the Third World and less-developed countries they normally mean aiding investments in these countries; to make the businesses work better. But the point is that such aid should go to the workers' and democratic movements in these countries, to help them to organise themselves to win better conditions for the people.

Our union's independent work in relation to activists and unions which are suppressed is very weak indeed. Here I should mention the work we do through our international organisation. This international organisation has members from all over the world. It is a really active and valuable organisation which defends democratic rights, and, above all, labour rights such as the right to freely organise and strike, the right to hold meetings and demonstrations, etc., in every part of the world without exception. The organisation I am referring to is the International Union of Food & Allied Workers' Associations (IUL), and has a powerful general secretary by the name of Dan Gallin.

Why has your union said no to membership in the European Community? Does this mean a yes to Denmark?

As a slogan we have said yes to a united Europe, but no to the EC, i.e. the Maastricht Treaty. It is clear that the whole European labour movement has brought down the old barriers. There is a tendency in the European labour movement that says that it should raise common demands both against the national governments in Europe and the European Community, and that it should work for cooperation among the labour movements in these countries.

We have to help the workers in countries where the labour movement is weaker, like Portugal and Spain, and raise common demands across Europe against the multinational companies. Regarding the EC, we should put forward such common demands as would serve the workers in all the European countries. There is no doubt that every working-class struggle is an

Issued monthly
in Persian, with
a supplementary
English section.

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Sweden	SKr14
Denmark	DKr15
Germany	DM3.5
Britain	£1.5
France	FF14
USA	US\$2
Canada	C\$2.5
Other non-European	\$2.5

Page 16, Vol.4, No.40, October 1993

۱۳۷۲ سال چهارم، شماره ۴۰، مهر

IN BRIEF

Britain

■ Timex workers in Dundee, Scotland, have won an injunction to compel the company to provide £3m as guarantee that it would honour any court awards for the 317 workers. The company has now shut down the plant, having sacked the entire production workforce for refusing to accept a pay freeze and worsening of conditions. The workers have fought Timex for eight months. The company used scab labour throughout the strike. Local strike leaders said their boycott campaign of Timex would continue.

■ The British TUC has complained to the ILO about new labour law which allows employers to deny pay increases to employees who refuse to sign personal contracts requiring them to give up their rights of union representation.

Nicaragua

Transport workers in Nicaragua won after a bitter five-day strike in protest against the government's policies. During the protest the workers were armed and barricades were set up. An accord was signed on 25th September in which the government agreed to freeze petrol prices and take back the new vehicle tax.

Japan

NTT, the Japanese telecom company, intends to cut 10,000 jobs by the end of next year. The aim is to eventually reduce NTT workforce from 230,000 to 200,000. Similar lay-offs may be followed by other companies.

Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.

YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.

YOU CAN help distribute Worker Today in your area.

YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.

YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.

YOU CAN send us your articles and reports.

YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.

YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

Labour activist killed by Kurdish nationalists

● Gunmen of the ruling Kurdistan Democratic Party of Iraq abduct and murder leading activist of the Unemployed Workers Union

WT News Service:

Armed militia of the Kurdistan Democratic Party of Iraq (KDPI), the main Kurdish nationalist force led by Masoud Barzani, abducted and later brutally murdered Nazir Omar Ali, a mechanics worker, an activist of the Unemployed Workers Union in Kurdistan and a well-known member of the newly-formed Worker-communist Party of Iraq.

The KDPI is one of the two main nationalist forces making up the Kurdistan Front, which is now in power in Kurdistan.

As we reported in our July 93 issue, early in summer the nationalist rulers of Kurdistan tried their hands at intimidating the Unemployed Workers Union by arresting a number of its activists prior to a planned demonstration against unemployment. They were, however, forced to back down after determined resistance by the workers. This latest cold-blooded murder of one of the union's leading activists shows the methods they have now chosen in their campaign against the union: abduction, torture and killing of worker and communist activists in Iraq without even daring to admit responsibility for the

crime.

Prior to the discovery of the body of Nazir Omar Ali, the Kurdistan Commission of the Worker-communist Party of Iraq through a communique denounced the abduction of Nazir Omar and held the Kurdish government responsible for his safety.

In part of the communique, which has been received by *Worker Today*, it is stated: "Up to now dozens of political activists have been assassinated, worker and communist activists have been arrested and tortured, and all over Kurdistan prisons and surveillance organisations have been set up for the Peshmargas. In addition, each party has its own special prisons and torture chambers, its own special locations for the elimination of the opponents, and its own death squads who freely pick up and kill whoever they want. Throughout Kurdistan dozens of people are murdered daily, and hardly a day goes by without women being killed by the nationalist 'guardians of chastity'."

The communique goes on: "The Badinan region has lately turned into a slaughterhouse for political

Continued on page 14

Job cuts continue in Iranian industries

WT News Service:

The wave of plant closures and job cuts in Iran is continuing. The Islamic regime's solution to the crisis-ridden capitalism in Iran is to increase the economic burden on the working class, lower the wage levels and lay off large numbers of workers. In the last few issues of *Worker Today* we have reported the news of the wave of job cuts. Below we publish more reports on the lay-offs some of which have also appeared in the Islamic Republic's newspapers.

■ The Beheshti Industrial Town in the north-eastern town of Ardabil is on the verge of complete shut down. This Industrial Town has been in existence for 15 years and includes various large and small industries such as food, metal, wood, plastics and textile manufacture. At the moment, of all these industrial units only one - the textiles - is in operation, and this only at half capacity. The rest have practically come to a standstill.

■ The Neka factory, in the Mazandaran province in the north, producer of plastic dishes, has stopped operations since August, referring all of the 60 workers to the head

office for severance pay.

■ The Khazar clothing plant in the northern town of Amol announced in August that it was closing down. As a result, 300 workers lost their jobs. At the time of closure the workers had still not been paid their wages for the past four months and the year-end bonus was also outstanding. Most of the workers had been working at this plant for at least 12 years.

■ There are rumours that the government is soon to privatise the workshops in the western city of Sanandaj which belong to a state foundation. As this would mean the closure of the unprofitable industries and the sacking of their workforce, the news has increased the workers' fears that more job cuts are on the way.

■ The Bitomex factory in the city of Kermanshah, in the west, producer of insulating materials, announced closure in September. The workers of the plant have still not been paid the year-end bonus. It is also reported that although the insurance fee has regularly been cut from the workers' wage packet, for nearly a year the management has failed to pay these to the social insurance office.

German coal miners strike against massive lay-offs



German steel workers protesting against Stahl-Konzernen

WT News Service:

German miners went on strike on 22nd September to protest against more job cuts announced by Germany's biggest coal company.

According to the *Financial Times*, miners from the morning shifts joined their fellow workers protesting in the streets of all major towns in the Ruhr valley. The miners' union, IG Bergbau, said 60,000 workers from Ruhrkohle's 80,000 workforce had stopped working. The miners at the

Monopol pit at Bergkamen, which the company wants to shut down, and the workers from the Niederrhein area said they would stay out until Kohl intervenes to reverse the decision.

The company has said it will cut an additional 6,000 jobs next year, bringing planned job cuts to 18,000 by the end of 1994. It said it would close the Bergkamen pit and cut production by two thirds at two other pits from January 1994.

Thousands of jobs to go in France

WT News Service:

Large job cuts are planned in the auto companies, aircraft engine manufacturers and in the Bull computer company in France - writes *Le Monde*, published in France.

The PSA auto group plans to cut 6,000 jobs. 2,547 jobs may go at Peugeot next year. SNC Talbot has forecast 1,476 job cuts. Also Citroen plans to lay off 1,200 workers. The job cuts at Peugeot will be partly through early retirement. The company also wants to pay its immigrant workforce to "help" them to go back to their countries of origin!

The Bull computer company has announced 6,500 job cuts internationally. This will include 2,850

jobs in France, out of the 3,500 total. There have been protests and strike actions in Paris and other French cities against the lay-offs.

The management of the Thomson industrial group announced at a factory meeting on 15 September that 1,669 people are to lose their jobs by the end of 1994. The meeting was boycotted by all the unions, including the CGT. In a joint communique the unions gave a history of the job cuts in this industrial group since 1987 when 10,000 jobs were lost.

The aircraft engine manufacturer SNECMA said on 16 September that it plans to cut 775 jobs. 800 jobs have been lost during 93, and last year the company cut 500 jobs.

Danish trade unions, international strike-breakers

Interview with Bent Moos, secretary of Danish Restaurant and Brewery Workers Union p.15